مبانی نمادپردازی رنگ در عرفان شیعه و سنی و الگوی استفاده از آنها در خانقاه-مزارهای شیعی و سنی ایران (با تأکید بر خانقاه-مزارهای شیعی و سنی قرن هشتم و نهم در ایران) /۱۷۳ -۱۹۵

مربوط به آرامگاه خانقاه شیخ صفی الدین اردبیلی، مأخذ: نگارندگان.

فصلنامهٔ علمی نگره

مبانی نمادپردازی رنگ در عرفان شیعه و سنی و الگوی استفاده از آنها در خانقاه-مزارهای شیعی و سنی ایران (با تأکید بر خانقاه-مزارهای شیعی و سنی قرن هشتم و نهم در ایران)

منصوره محسنی * مهدی حمزه‌نژاد **

تاریخ دریافت: ۹۹/۳/۱۱
تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/٤
صفحه۱۷۳ تا ۱۹۵
نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

تزیینات رنگی در معماری اسلامی همواره محمل بیان معانی بوده‌اند. کاربرد نمادگرایانه از رنگ در خانقاه-مزارها، به دلیل مکانیت عرفانی آن بیش از دیگر آثار معماری اسلامی مشهود است. **هدف** از این مقاله تفسیر نمادپردازی‌های رنگی در عرفان شیعه و سنی و بررسی میزان تطابق این مبانی در خانقاه-مزارهای شیعی و سنی در ایران است. **سؤال‌های** پژوهش عبارتند از: ۱. نمادپردازی ها در خانقاه-مزارها تا چه اندازه تحت تأثیر احادیث و روایات و تعالیم عرفا بوده اند؟ ۲. آیا نماد پردازی‌های رنگین خانقاه-مزارهای شیعی و سنی مشابه اند؟ ۳. کدام رنگها از منظر شیعه و کدام رنگها از منظر اهل تسنن اهمیت دارد؟ ۴.آیا در ساخت خانقاه مزارهای شیعه می‌توان نظام معناداری از رنگ ها را شناسایی کرد و تمایز آن نسبت به مزارهای غیرشیعی قابل تفکیک معناداری هست یا خیر؟ **روش تحقیق** این پژوهش، بصورت تحلیلی- تفسیری و مورد-پژوهی است و شیوهٔ جمع آوری اطلاعات کتابخانه ای و میدانی است. داده ها از منابع دینی و عرفانی استخراج، بررسی و تحلیل شد و سپس با داده‌های بدست آمده از مطالعات میدانی مقایسه گردید. **نتایج** نشان می‌دهد که در نگرش شیعه، حق تعالی، تجلیات نوری رنگین چهارگانه‌ای بر عرش دارد و این انوار ملون که با توجه به تفاسیر، وجود نوری ائمه اند، در دیگر مراتب هستی تجلی و سریان دارند و در هر مرتبه‌ای تأویلی برای این رنگ ها می توان قائل شد. این رنگ ها نشان تمایز تجلیات در قوس نزول می‌باشند و سالک مستعد، تجلیات رنگین را در قوس صعود شهود می‌کند. در نظریات عرفای سنی نیز رنگها نشانگر منازل سلوک‌اند و طیفی از انوار رنگی متجلی شده، نشان چگونگی تکامل سالک در قوس صعود است. بررسی ها نشان می‌دهد که تزیینات رنگی چهار خانقاه-مزار در قرابت با این تعالیم بوده اند. در هر چهار نمونه، رنگ غالب استفاده شده در نمای خارجی بناها، آبی است که در مراتب ابتدایی قوس صعود است و در تعالیم اهل سنت نماد رویگردانی از آفاق دارد و در نماد پردازی برخی طریقت‌های شیعی، نشانه مرتبه اطمینان و ابتدای سیر در صفت «الباطن» است. اما در بخش داخلی، تمایزی بین خانقاه-مزارهای شیعی و سنی وجود دارد. در خانقاه-مزارهای شیعی نمود رنگ‌های قرمز، زرد، طلایی، سبز، سفید و مشکی بیشتر است که به ریشه ولایی و جایگاه ملکوتی و جبروتی این رنگ ها در نگرش شیعه باز می‌گردد.

کلیدواژه‌ها

رنگ، خانقاه-مزار، نماد، شیعه، سنی، معماری اسلامی ایران

* مربی گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، شهر شاهرود استان سمنان (نویسنده مسئول)
Email:mnsmohseni@shahroodut.ac.ir
** استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت، شهر تهران استان تهران Email:hamzenejad@iust.ac.ir

مقدمه

رنگ، از دیرباز، در بسیاری از ادیان و آیین ها و هنرهای وابسته به آنها، جایگاه ویژه‌ای داشته است. بکارگیری رنگها در معماری اسلامی، دلایل متعددی چون تمهیدات اقلیمی، رویکرد زیبایی شناختی و یا آیینی و مذهبی را داشته است. در دین اسلام و عرفان اسلامی، رنگ مانند سایر مخلوقات هستی نشان و نماد چیزی فراسوی ماده است. احدیت بی نشانِ بی چونِ بی رنگ، بسان نوری واحد تجلی کرده و آن نور بصورت الوان متکثر در مراتب هستی ظهور یافته است. در واقع در مورد تأویل رنگ باید نوعی رمز شناسی را به کار بست. کدگشایی از رموز رنگها و تأویل آنها، بر اساس معارفی است که جز در سینه صاحبان معارف و علوم نمی گنجد. از این رو رجوع به صاحبان معارف و شاهدان حقایق، در فهم رموز و اسرار ضروری ست. رمزآلودگی رنگها در احادیثی از ائمه اطهار و سخنان علما و عرفای شیعی و سنی بیان شده است. همچنین اندیشه‌های عرفانی مبتنی بر نور و کشف ویژگیهای باطنی رنگ در میان اندیشمندان و عرفای مسلمان در قرون ۶ و ۷ اهمیت می‌یابد. سهروردی، ابن عربی، نجم الدین کبری، نجم رازی، علاءالدوله سمنانی، میرعلی همدانی از عرفای بنامی هستند که به این مقوله پرداخته‌اند. در واقع با ظهور حکمت عرفانی ابن عربی و پیوند آن با حکمت اشراقی سهروردی، این تفکرات قوت گرفته و با عرفای شیعی همچون سید حیدر آملی و شاه نعمت‌الله و صفی الدین اردبیلی و در نهایت ملاصدرا به حکمت شیعی بدل گردید. تأثیر ابن عربی بر طریقه‌های تصوف از جمله کبرویه، نقشبندیه، نعمت اللهیه، نوربخشیه، ذهبیه و ... را نمی توان نادیده گرفت. در این میان توصیف انوار رنگین در مراتب سلوک و اطوار قلب، در طریقه کبرویه، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. تعالیم کبرویه توسط میر سید علی همدانی با آراء ابن عربی در می‌آمیزد و پس از آن به دو شاخه ذهبیه و نوربخشیه منشعب می‌گردد. بواسطه تعالیم این صوفیان، رمزها و نمادهای رنگین در ادبیات عرفانی، هنرها و نیز در هنر معماری نیز بکار بسته شد و بدین طریق ساحت باطنی عرفان اسلامی در این هنرها نمود پیدا کرد. نکته مهم آنکه از ورود اسلام تا قرن ۶ در معماری ایران تزیینات رنگی چندانی دیده نمی شود، اما با پیدایش گرایش‌های عرفانی یاد شده و اهمیت نمادین رنگ در آن مکاتب، تغییرات مهمی در تزیینات رنگی معماری بناها بوجود آمد. در میان انواع بناها، خانقاه –مزارها به دلیل کارکرد روحانی و معنوی و عرفانی آن می‌تواند سرشار از اینگونه نمادها و نشانه ها باشد. در قرون هفتم و هشتم هجری خانقاه‌هایی، با حمایت ایلخانان از متصوفه ایجاد گردید. در دوره تیموری نیز سلسله‌های معروفی از صوفیه مانند نوربخشیه، نعمت اللهیه و نقشبندیه تقویت شدند. خانقاه-مزارهایی همچون آرامگاه شاه نعمت‌الله ولی، خانقاه شیخ صفی الدین اردبیلی، مجموعه بسطام، تربت جام، تایباد و نطنز در قرن هشتم و نهم هجری قمری ساخته شد. **هدف** از این مقاله تفسیر نمادپردازی‌های رنگی در عرفان شیعه و سنی و بررسی میزان تطابق این مبانی در خانقاه-مزارهای شیعی و سنی در ایران است. **سؤال‌های** مطرح در این پژوهش آن است که ۱. نمادپردازی ها در خانقاه-مزارها تا چه اندازه تحت تأثیر احادیث و روایات و تعالیم عرفا بوده اند؟ ۲. آیا نماد پردازی‌های رنگین خانقاه-مزارهای‌های شیعی و سنی مشابه اند؟ ۳. کدام رنگها از منظر شیعه و کدام رنگها از منظر اهل تسنن اهمیت دارد؟ ۴.آیا در ساخت خانقاه مزارهای شیعه می‌توان نظام معناداری از رنگ ها را شناسایی کرد و تمایز آن نسبت به مزارهای غیرشیعی قابل تفکیک معناداری هست یا خیر؟ **اهمیت و ضرورت** تحقیق، آن است که، مطالعه و بررسی نمادپردازی رنگ از منظر شیعه و سنی و آگاهی از تفاسیر و شناخت معانی باطنی این نمادپردازی ها، می‌تواند مبنای مطمئنی برای هنر و معماری معاصر ایران، بخصوص معماری معاصر شیعی در طراحی بناهای مذهبی و زیارتی باشد.

روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر بر اساس رویکرد تفسیری ـ هرمنوتیکی و روش شناسی تفسیری و مورد- پژوهی است.شیوهٔ جمع آوری اطلاعات کتابخانه ای و میدانی است. داده ها با مطالعه منابع کتابخانه‌ای در حوزه عرفان اسلامی و روایات و احادیث و داده هایی با مطالعه میدانی نمونه ها و ثبت رنگ‌های موجود در آنها، بدست آمده است. بدین صورت که ابتدا با مطالعه مباحث مطرح شده در مورد رنگ در احادیث و روایات و در کتب عرفانی- اسلامی، رنگ از دیدگاه ائمه اطهار و عرفای شیعی و سنی بررسی می‌شود. سپس با مطالعه میدانی، رنگهای بکار بسته شده در نمونه‌های موردی (جدول ۱)ثبت گردید. در نهایت با روش تطبیقی رنگ‌های استفاده شده در معماری نمونه‌های شیعی و سنی مقایسه شدند (نمودار ۱). با توجه به اهمیت تصوف در دوره ایلخانی و تیموری و ایجاد خانقاه‌های طریقت‌های مختلف متصوفه در این بازه زمانی، جامعه آماری نیز، خانقاه-مزارهای برجای مانده از همین دوره نظیر آرامگاه چلپی اوغلو سلطانیه، آرامگاه شیخ علاء الدوله سمنانی، آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنز، بقعه شیخ داد بندرآباد یزد، آرامگاه مولانا ابوبکر زین‌الدین تایبادی، آرامگاه شیخ احمد جام، مجموعه بایزید بسطامی، آرامگاه شاه نعمت‌الله ولی و بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی است. از این میان، در این مقاله، چهار نمونه از مطرح ترین آنها انتخاب شده است. دو مورد خانقاه مزارهای شاه نعمت‌الله ولی و خانقاه شیخ صفی الدین اردبیلی به عنوان نمونه موردی خانقاه مزار شیعی و دو مورد تربت جام و مجموعه بسطام

جدول ۱. نمونه خانقاه – مزارهای مورد بررسی در این پژوهش، مأخذ: نگارندگان.

نمونه‌های شیعی	نمونه‌های سنی
آرامگاه شیخ صفی الدین اردبیلی، آرامگاه شیخ نعمت‌الله ولی	آرامگاه شیخ احمد جام، آرامگاه بایزید بسطامی

نمودار ۱. روش تحقیق، مأخذ: نگارندگان.

به عنوان نمونه سنی است. شیوهٔ تجزیه و تحلیل کیفی است.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های متعددی در زمینه نمادپردازی رنگ در هنر و معماری ایران انجام شده است. بطور نمونه فاطمه عسگری و پرویز اقبالی در مقاله " تجلی نمادهای رنگی در آیینه هنر اسلامی" در جلوه نشر، شماره نهم، ۱۳۹۲، نمادهای رنگی از دید علوم مختلف، نمادشناسی رنگ در ادیان و هنر اسلامی، ارتباط رنگ و نور در قرآن و هنر اسلامی را مطرح می‌کنند. حسین مرادی نسب، محمد رضا بمانیان و ایرج اعتصام در مقاله "بازشناسی تأثیر اندیشه‌های عرفانی در پدیداری رنگ آبی در کاشی کاری مساجد ایران" در نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره چهاردهم، ۱۳۹۶، به بررسی میزان رنگ آبی استفاده شده در مساجد دوره‌های خوارزمشاهیان تا دوره صفویه پرداخته‌اند. نویسندگان این مقاله معتقدند که بین اندیشه عرفان شیعی و بهره گیری از کاشی آبی در مساجد ترادفی در صورت و معنا می‌توان قائل شد و با نزدیک شدن به دوره صفوی و غالب تر شدن اندیشه عرفانی- شیعی، استفاده از رنگ آبی در اندام کالبدی مساجد بیشتر می‌شود. قدسیه اکبری باصری و مریم محمد قلی پور، در مقاله "مکانیت مثالین نورهای رنگین در معماری مقدس ایران" در نشریه معماری و شهرسازی آرمانشهر، ۱۳۹۲، تجلی رنگ در حرم امام رضا، مسجد شیخ لطف الله و کاخ چهل ستون در اصفهان را بررسی کرده‌اند. نویسندگان ضمن ارائه توضیحاتی درباره شناخت رنگ در دیدگاه و آراء عرفای طریقت کبرویه، رنگ در عرفان اسلامی، مقامات رمزی نورهای رنگی در معماری مقدس ایران را مطرح می‌کنند. نویسندگان کتاب "حس وحدت"، نادر اردلان و لاله بختیار، ۱۳۸۰، فصلی به تفسیر نمادین رنگ اختصاص داده‌اند. نویسندگان پس از معرفی هفت رنگ و نظام سه رنگه و چهار رنگه، به رابطه کیمیا و رنگ می‌پردازند و رنگها را شاخصی می‌دانند برای عارف، تا بدان وسیله مقام روحانی خویش را به داوری گیرد و عالم رنگ را جهت دهنده سلوک عارف می‌دانند و سپس با مثلهایی از معماری، رنگهای همجوار، ناهمساز و نظامهای رنگی یکترازه و چند ترازه را معرفی می‌کنند. در مقدمه همین کتاب، حسین نصر به وجه معنایی نور و رنگ اشاره دارد. در کتاب "مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی: کیمیای خیال"، بلخاری، ۱۳۸٤، برخی مفاهیم حکمت اسلامی از دیدگاه حکمای ایرانی اسلامی مانند اصول نور و تجلی و ظهور آن را بیان کرده است. همچنین در کتاب «تجلی نور و رنگ در هنر ایرانی اسلامی»، بلخاری، ۱۳۸٤، به مبانی عرفانی نور و رنگ در هنر ایرانی اشاره داشته و نور و رنگ از منظر اندیشمندان و عرفای اسلامی را بررسی کرده است. در عموم پژوهشهای یاد شده، مبانی رنگ در عرفان شیعی دیده نشده است و بیشتر نظریات عرفای کبرویه ارائه شده است. همچنین نمادپردازی رنگ در خانقاه- مزارهای شیعی و سنی دیده نشده است. پژوهش حاضر علاوه بر بررسی مبانی نمادپردازی رنگ در عرفان شیعه

و سنی، در جستجوی میزان بکارگیری این نمادهای رنگین در خانقاه مزارهای شیعی و سنی و شباهت ها و تمایزات آنها است.

۱. نور و رنگ در قرآن کریم

با توجه به آیه « اللهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْض" (نور، ۳۵)، خداوند نور آسمان ها و زمین است. اوست که وجود را از عدم ظاهر ساخت و حق را از خلق امتیاز بخشید و مراتب را شناسانید. زیرا ظهور عالم کون به واسطه اسم "نور" است و اسم "نور" اوست که اسماء و صفاتش را آشکار کرده و آثار آنها را ظاهر ساخته است (جیلی، ۱۳۹۲، ۱۲۱). ملاصدرا تعبیر وجودی از نور دارد و وجود اشیاء را از مراتب نور دانسته است و در تفسیر آیه نور می‌گوید که معنی افاضه نور او به آسمان ها و زمین، همانند آن است که بگویی: نور الانوار و وجودات الاشیاء (یعنی اصل نورها و اصل وجودات اشیاء). زیرا وجود هر شیء عبارت است از نوری که بدان، ماهیت و ذات آن شیء ظاهر و آشکار می‌گردد، پس خداوند انشاء و ایجاد کننده انوار است به حقیقت ذات نوری خود (صدرالدین شیرازی، ۱۳۹۲، ۱۶). رنگ نیز از بی رنگ (نور محض) نشأت می‌گیرد و آن نور محض واحد به صورت الوان متکثر در مراتب هستی ظهور می‌یابد. در جای جای قرآن کریم به رنگ ها (الوان) و رمزگونگی آنها اشاره شده است. با توجه به این آیات، الوان، نشانه هایی هستند از وجود ذات باری تعالی برای کسانی که نعمات و آیات خداوند را یادآور می‌شوند و به آنها می‌اندیشند و پدیده ها را سرسری نمی گیرند(آیت اللهی، ۱۳۷۷، ۱۴۰): أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِأُولِي الْأَلْبَابِ (زمر: ۲۱). سفید، سبز (و سبز تیره فام یا آبی گون : مُدهامَتان)، سرخ، زرد، آبی کبود (ازرق)، سیاه از رنگ هایی هستند که در آیات قرآن آمده است.

همچنین در قرآن از «صبغه الله» (رنگ خدایی) یاد شده است : صِبْغَةَ اللهِ وَمَنْ اَحْسَنُ مِنَ اللهِ صِبْغَةً... (بقره :آیه ۱۳۸) . تفاسیر متعددی در مورد صبغه الله بیان شده است. نقل شده است که ترسایان در روز هفتم مولود را در آبی زردرنگ به نام «معمودیه» می‌شستند و به این عمل فخر می‌کردند که ما را صبغه هست و مسلمانان را نیست، حق تعالی در آیه فوق عمل آنها را رد کرد و صبغه الهی را بهترین رنگ نامید(خسروانی شریعتی، ۱۳۷٤، ۲۲). مفسرین صبغه الله را «اسلام»، «فطرت»، «ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام » معنی کرده‌اند و در عرفان اسلامی نیز به معنای مرتبه ولایت و درجه محبت است؛ چنان که میبدی گفته است : دوستی حق کیمیایی است که همه رنگها را فروشوید و وجود را به رنگ خویش کند «امروز ایشان را به رنگ دوستی برآرد و فردا به نور خود رنگین کند» (همان). مولوی نیز در مثنوی معنوی صبغه الله را «رنگ باقی»(رنگ باقی صبغه‌الله است و بس/ غیر آن بربسته دان همچون جرس) و «یکرنگی» (صبغه‌الله هست خم رنگ هو/ پیسها یکرنگ گردد اندرو) دانسته است (همان، ۲۳-۲۵). با توجه به اشارات قرآن به رمزگونگی رنگ ها و دعوت به اندیشه در این نشانه ها، در ادامه نمادپردازی رنگ مطرح شده است.

۲.نمادپردازی رنگ از منظر ائمه اطهار و علما و عرفای شیعی و سنی

برای پرداختن به رمزپردازی‌های رنگین در معماری اسلامی نیاز به تأویل است و برای تأویل جز به رشته محکم صاحبان معرفت نمی توان چنگ زد و برای شناخت اسرار و تأویل صحیح" نیاز به فلسفه نبوی و معرفت است" (اردلان، ۱۳۸۰، ۵). از این رو در ادامه ابتدا به بررسی نمادپردازی رنگ از دیدگاه ائمه اطهار و علما و عرفای شیعه و سنی پرداخته، و تفسیرها و تأویل‌های مربوطه بررسی می‌شود و سپس رنگ پردازی‌های چهار نمونه خانقاه مزارهای شیعی و سنی ارائه می‌گردد.

۲-۱. رنگ در روایات شیعه

در منابع معتبر، از جمله کتب اربعه شیعه روایات قابل توجهی در نمادپردازی رنگ دیده می‌شود که غالبا به توصیف ریشه رنگ اشیاء در آغاز خلقت، به ویژه نشأت گرفتن آنها از عرش پرداخته‌اند. روایتی از امیر المؤمنین علی (ع) در توصیف انوار عرش است که به چهار نور سرخ، زرد، سبز، سفید و چهار رنگ سرخ، زرد، سبز، سفید اشاره دارد. همچنین امام سجاد (ع) و امام رضا (ع) در روایاتی به این چهار نور و چهار رنگ مذکور از امیر المؤمنین اشاره کرده‌اند. شروح و تعابیری از این روایات موجود است که در آنها، شارحین به معانی باطنی این رنگها پرداخته‌اند. در اینجا دو حدیث از احادیث گفته شده است که با توجه به اهمیت آن تأویل هایی از آنها بیان می‌گردد. حدیث اول از امیر المؤمنین علی (ع) است که می‌فرمایند: "به راستي خداي تعالي عرش را از چهار نور آفريده است، نور سرخ كه از آن، سرخي رنگ سرخ به خود گرفته است؛ نور سبز كه از آن، سبزي رنگ سبز به خود گرفته است؛ نور زرد كه از آن، زردي، رنگ زرد به خود گرفته است؛ نور سپيد كه از آن، سپيدي، رنگ سپيد به خود گرفته است. و آن دانشي است كه خدا به حاملان عرش فرا داده است و آن از نور بزرگواري او است، به بزرگي و نورش دلهاي مؤمنان را بينا كرده و به خاطر بزرگي و نورش نادانان با او دشمني آغازند....» (کلینی، ۱۳۷۵، ص۳۷۱-۳۷۳) . حدیث دوم که مجددا به چهار رنگ سبز، زرد، قرمز و سفید اشاره دارد، از ابو الطفیل از امام باقر علیه السّلام، از امام سجاد (ع) نقل

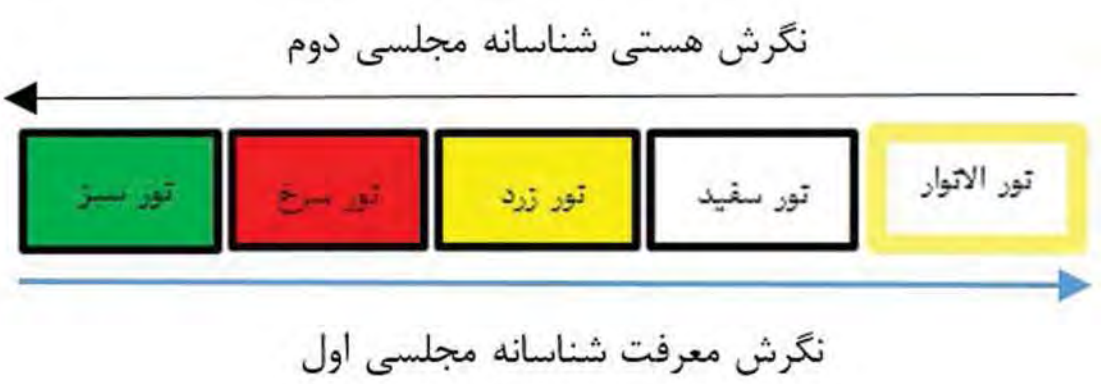

تصویر ۱. بعد و قرب انوار رنگی از نورالانوار به تعبیر مجلسی از حدیث حضرت علی(ع) مأخذ: نگارندگان. مجلسی اول و دوم دو تفسیر از این رنگهای معنوی ارائه داده‌اند مجلسی اول از بعد انسانی، سبز و سفید را به دو مرتبه علم و زرد را به عبادت و سرخ را به محبت تعبیر کرده ولی مجلسی دوم به صفات الهی و سفید را به لطف قرمز را به قهر و سبز و زرد را به قدرت و علم الهی در جایی که هدف شبیه سازی مراتب انسانی باشد از تبیین مجلسی اول و در جایی که تجلی الهی باشد از تبیین مجلسی دوم می‌توان استفاده کرد، مأخذ: نگارندگان.

مي‌كند كه حضرت فرمود: خداوند عرش را چهار ربع آفريد كه پيش از آن چيزي را نيافريده بود، مگر سه چيز: هوا، قلم و نور. آنگاه عرش را از نورهاي مختلف آفريد. از جملهٔ آن نورها، نور سبزي بود كه سبزها، از آن سبز شد، نور زردي بود كه زردها از آن زرد شد، نور سرخي بود كه سرخ‌ها از آن سرخ شد و نور سفيد و آن نور نورهاست و روشني روز از آن است. سپس آن را هفتاد هزار طبق قرار داد كه هر طبقي همچون اوّل عرش تا پايين‌تر پايينها است (ابن بابويه، ۱۳۸۹، ٤٧٣). همچنين نقل شده است كه مردی از پيامبر (ص) پرسيد: يا رسول الله، خدا را از خلقش جز آسمانها، پرده‌ای است؟ فرمود: آري ميان او و فرشته‌هاي

تصویر۲. تعبیرکربن از چهار رنگ مطرح شده در حدیث حضرت علی(ع) براساس تفسیر محمدکریم کرمانی، مأخذ: نگارندگان.

گرد عرش، ۷۰ پرده از نور است، و ۷۰ پرده از ظلمت، ۷۰ پرده از آويزهاي ديبا، ۷۰ پرده از آويزه‌هاي سندس، ۷۰ پرده از درّ سفيد، ۷۰ پرده از درّ سرخ، ۷۰ پرده از درّ زرد، ۷۰ پرده از درّ سبز، ۷۰ پرده از روشني، ۷۰ پرده از برف، ۷۰ پرده از آب، ۷۰ پرده از تگرگ، ۷۰ پرده از عظمتي كه وصف نشدني است (مجلسی، ۱۳۵۱، ٤٤). و نيز در معارج النبوّه آورده كه جبرئيل و آدم و حوّاء در فردوس اعلي عليين قصري از نور، و در قصري تختي از نور اخضر و احمر، و بر آن دختري با تاج مكلّل و منوّر، و در دو گوش او دو گشوارهٔ سرخ و سبز، و پيش رويش حوريها به ادب دست بسته ايستاده، آدم و حوّاء از نور و صورت و شكل او حيران شده. از مصدر جلال الهي نداء آمد: كه اين دختر نبي مصطفي، و زوجهٔ ولي مرتضي، نامش صدّيقه زهراء مي‌باشد... (رضوی قمی، ۱۳۸٦، ۷۱). همانطور كه گفته شد، تأويلاتی در مورد اين روايات موجود است كه در ادامه تأويلاتی از روايت اول و دوم بطور مجزا ارائه شده است.

۲-۱-۱.تأويل هايی از روايت اول از امير المومنين علی (ع)

مجلسی مهمترين تعابير بيان شده برای انوار رنگی چهارگانه را موارد زير می‌داند(مجلسی، ۱۳۵۱، ۱۵-۱۹):
۱. مقصود از آن، «جواهر قدسيه عقليه‌اند كه وسائط فيض خدايند، و رنگهاشان كنايه از سبب اختلافهاي چهارگانه اين جهانست كه محسوس است چون عناصر، اخلاط و اجناس جانداران و مراتب وجود انسان كه طبع، نفس حساس، نفس متخيّله و عقل است، اجناس مولدات كه معدن، گياه حيوان و انسانست.“ ۲. ”اين انوار براي بيان قرب و بعد از نور الانوار است، نور سپيد نزديكتر است، نور سبز دورتر كه گويا

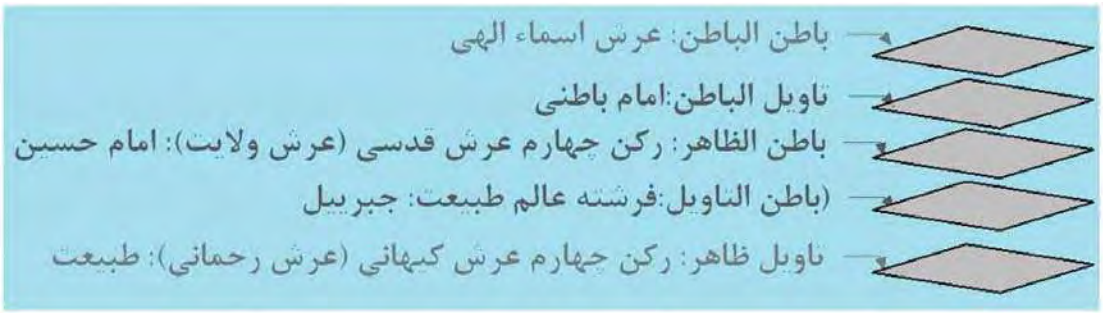

تصویر ۳.پنج مرحله تأویل رنگ سرخ،مأخذ:نگارندگان.

تیرگي دارد و سرخ میانه است " (تصویر ۱). ۳. این انوار رمز صفات خدا است، سبز نشان قدرت اوست بر آفرینش و فیض بخشي ارواح که چشمه‌هاي زندگي و منابع سبزیند و سرخ نشان خشم و قهر او است بعذاب و نابود کردن، سپید رحمت و لطف اوست(تصویر۱) ٤. مجلسی تعبیر چهارم را از پدر علامهٔ خود نقل می‌کند : «نور زرد رمز عبادت و صورت رؤیائي آنست. نور سپید رمز دانش است، و نور سرخ، محبّت است و در چهره محبین دیده مي‌شود، ، و نور سبز معرفت است که علم به خدا باشد (تصویر ۱). ملاصدرا در شرح کلام حضرت امیر، می‌گوید که عوالم پی در پی و بعضی از آنها بالای بعضی دیگر در لطافت می‌باشند و آن چهار عالم هستند: ۱.عالم اجرام و طبایع ۲. عالم نفوس حیوانی ۳. عالم نفوس مدبر کلی ٤. عالم عقول محض. هیچ صورتی و فرعی در عالم شهادت نیست، مگر اینکه برای آن اصل الاصولی و غیب الغیوبی در عالم ربوبی است و هیچ نور عقلی و روح امری در ملکوت اعلی نیست، مگر اینکه برای او سایه‌ای در این عالم است. اما اختلاف آن ملائکه از سرخی، سبزی، زردی و سفیدی چنان که امام (ع) توصیف نموده اند، برای این است که ذات و صفتی که در معلول ها یافت می‌شود باید در علت‌های فعال آنها، چیزی به ازای آن ذات و صفت بر وجه لایق و سزاوار به آن علت باشد. ملاصدرا در ادامه شرح می‌گوید : «نور قرمز مناسب با عناصر، آتش بوده و مناسب اخلاط چهارگانه خون است که هر قرمزی در این عالم از آن سرخ شده است و نور سبز مناسب با عناصر زمین بوده، و مناسب با اخلاط چهارگانه سوداء است و هر صاحب سبزی از آن سبز شده؛ نور زرد، مناسب با هوا و مناسب با اخلاط چهارگانه صفرا است و هر زردی از آن زرد گردیده است و نور سفید مناسب با عناصر، آب و مناسب با اخلاط چهارگانه بلغم است و

تصویر ٥. مراتب و معانی چهار رنگ چهار رکن عرش با توجه به دیدگاه حسن زاده آملی،مأخذ:نگارندگان.

تصویر ٤. انوار رنگی عرش ولایت ، مأخذ: کربن، ۱۳۸۹، ۲۳٤ .

هر سفیدی از آن سفید شده است» (صدر الدین شیرازی، ۱۳۹۳، ٦۱۹-٦۲۱).

کربن نیز در کتاب « واقع انگاری رنگها و علم میزان» تفسیری از محمد کریم خان کرمانی از این روایت امیرالمؤمنین علی (ع) که "ان العرش خلقه الله تعالی من انوار اربعه ...." ارائه نموده و می‌گوید:" نور سفید، رنگ ستون بالایی سمت راست عرش است. این همان عالم عقل کروبی، ذروه جبروت است که اسرافیل رمز آن است. نور زرد، رنگ ستون زیرین سمت راست عرش است. این عالم روح است که میکائیل رمز آن است. نور سبز، رنگ ستون بالایی سمت چپ عرش است. این ذروه ملکوت یا عالم نفس است و عزرائیل رمز آن است. نور سرخ، رنگ ستون زیرین سمت چپ عرش است. این عالم طبیعت است و جبرئیل رمز آن است زیرا جبرئیل صانع عالم ماست" (تصویر ۲؛ کربن، ۱۳۸۹، ۲۱۴). به نظر کربن، رنگهای اشاره شده در روایت حضرت علی (ع) دارای چند لایه تأویل‌اند. او به عنوان مثال در پنج مرحله به تأویل رنگ سرخ می‌پردازد. ۱." تأویل

بعد ظاهری رنگ سرخ».۲.»بعد باطنی رنگ سرخ».۳: "بعد باطنی تأویل رنگ (باطن التأویل)". ۴." تأویل باطن رنگ سرخ (تأویل الباطن)". ۵." باطن باطن (باطن الباطن)" (همان، ۲۳۲-۲۳۴؛ تصویر ۳).

او تأویل بعد ظاهری رنگ سرخ را «طبیعت» می‌داند. در واقع تأویل رنگ سرخ در این حالت، رکن چهارم عرش کیهانی (عرش رحمانی) که طبیعت است، است. بعد باطنی رنگ سرخ، ما را به باطن عرش کیهانی که عرش قدسی (عرش ولایت) می‌برد(تصویر ۵). چهار امام از میان دوازده امام نیز، ارکان عرش ولایت‌اند. آن رحمت که به نبوت یا رحمت نبوی (رحمان النبوه) تعبیر می‌شود، بر این عرش مستقر است. آن ستون که از نور سفید است، در اینجا صورت عرفانی امام دوازدهم است. ستون پائینی سمت راست که از نور زرد است، تجسم امام علی (ع) است. ستون بالایی سمت چپ که از نور سبز است، تجسم امام دوم، حسن ابن علی (ع) است و ستون پایینی سمت چپ که از نور سرخ است، تجسم امام سوم، حسین ابن علی (ع) است که در اثر واقعه کربلا او را سید الشهداء لقب داده اند(تصویر ۴). ستون چهارم که با نور سرخ امام حسین شهید سرخ شده است، باطن ستون چهارم، ستون طبیعت است که در عرش کیهانی به نور سرخ مخصوص گشته است (همان).

تأویل ظاهر رنگ سرخ که «طبیعت» است، خود نیز دارای تأویل (معنای باطنی) است. از طریق تأویل ظاهر رنگ سرخ به ستون چهارم یا ستون زیرین سمت چپ عرش رحمانی، یعنی به جوهر طبیعت (نور سرخ) می‌رسیم. از سوی دیگر، آنچه باطن طبیعت یا باطن یک آسمان خوانده شده است، فرشته آن طبیعت یا آسمان است. از میان چهار ملک مقرب که ستونهای عرش کیهانی اند، جبرئیل فرشته عالم طبیعت ماست (همان، ۲۳۴-۲۳۵؛ تصویر ۳).

به این طریق تطابق اکید میان چهارگانه عوالم، چهارگانه ملائکه مقرب، چهارگانه ولایت برقرار می‌شود و می‌توان دریافت که چگونه در هر چهارگانه، ذکری از رنگ سرخ وجود دارد (کربن، ۲۳۴-۲۳۵). کربن در تأویل باطن رنگ سرخ (تأویل الباطن) می‌گوید که "تأویل فعلی [در مرحله چهارم]ما را به امام درون، راهنمای شخصی سری هر یک از ما، به رب یا پروردگار که هر بنده مؤمنی مربوب آن است، باز می‌برد. در درون هر انسان یک امام حسین هست. ولی این امام درون در محاصره دشمنان قرار دارد و اینها همه نیروهای نفس اماره‌اند. در درون هر انسان یک واقعه کربلا روی می‌دهد. ممکن است در کربلای قلب او، نفس اماره چیره شود و یاران عقل یعنی فرشتگان موکل بر خیرات را نابود سازد و عقل و یاران آن را به قتل برساند". و اما باطن باطن (باطن الباطن): به نظر می‌رسد که باطن این باطن فقط می‌تواند امام باشد —اما نه به اعتبار ظهور موقتی اش بر زمین، بلکه به اعتبار حقیقتِ حقیقت مابعدالطبیعی اش در عالم علوی، یعنی در عالم علوی حقیقت محمدی، تجلی ازلی کنز مخفی، عالم علوی "چهارده معصوم" به لحاظ وجود نوری شان (همان).

علامه حسن‌زاده آملی در کتاب هزار و یک نکته در اشاره‌ای به این حدیث می‌نویسد: "عرش بر اساس حدیث کتاب کافي، چهار رکن دارد به چهار رنگ: سفيد و زرد و سبز و سرخ، بتدريج از صفا و خلوص به تندي و تيرگي كه به ظلمت و سياهي نمي‌رسد. تسبيحات اربع، اول تنزيه است مناسب با سفيدي، و تحميد از صفات جمال به دادن نعمت كه خدا را براي خرما بخواهيم، و لا اله الا الله آنكه پس از توجه به نعمت آنها را خدا و معبود نداني، و الله اكبر آن را غالب بر همه شناسي و سرخ تناسب با غلبه دارد و سبزي با تنعم و فراخي، و صفرت تجلي ذات در خلق. يا نور سفيد ذات بحت است بي‌نشان، و صفرت تجلي ذات در خلق، و سبزي مبدأ نعمت و حيات، و سرخي غلبه و فناي ذوات(تصویر ۵). بيت المعمور مقابل عرش است در آسمان هفتم، و كعبه محاذي او در زمين، و دل مؤمن محاذي آن در بدن انسان، يا چهار مرتبه عقل نظري و چهار عقل عملي و چهار مرتبه ادراک: حس و تخيل و توهم و تعقل" (حسن زاده آملی، ۱۳۶۵، ۵۹۸). از این روی با توجه به گفته حسن زاده آملی تسبیحات اربعه، بیت المعمور، کعبه، دل انسان مؤمن، چهار مرتبه عقل نظری، چهار مرتبه عقل عملی و چهار مرتبه ادراک، در توازن و تطابق با عرش، دارای چهار مرتبه رنگی قرمز، زرد، سفید و سبز می‌باشند.

۲-۱-۲ . تأویل هایی از روایت دوم از امام سجاد (ع)

قطیفی در بیان معنای عرش، به گوشه‌ای از مضمون زیارت جامعه کبیره (خلقكم الله أنوارا، فجعلكم بعرشه محدقين، حتي منّ علينا بكم) و روایت امام سجاد (ع) در مورد انوار اربعه عرش اشاره می‌کند. قطیفی در شرح این بخش از زیارت جامعه می‌گوید: بوجهی ائمه عرش اعظم و بوجهی دیگر حاملان آنند. آنها آشکار کننده عرش وحدانیتند، همچنین آنها اسم اکبر اعظم‌اند که خدا بوسیله آنها انجام می‌دهد و آنها را واسطه برای کل، هم در ابتدا و هم در بازگشت قرار داده است (آل عبد الجبار قطیفی، ۱۴۳۱ق، ۲۲۷). همچنین قطیفی در یک معنا مقصود از عرش را ارواح و صور و طبائع ائمه دانسته است و برای همه اینها، هشت رکن همچون شاخه‌های درخت عرش در نظر گرفته است و

تصویر ٦. مراتب و تطابق انوار رنگی با ساختار هستی و تبیین ساختار هستی و تطابق آن با عرش و حقیقت محمدیه و ظهور نوری ائمه از نظر قطیفی (با استناد به زیارت جامعه کبیره و روایت امام سجاد(روایت دوم))، مأخذ: نگارندگان.

.جدول ۲ . دیدگاه برخی عرفای شیعی در مورد معانی رنگ ها و شهود مراتب رنگین در سلوک ، مأخذ: نگارندگان

		نور سیاه	سفید	سرخ	زرد	سبز	آبی (کبود)	خاکستری	سبز تیره	سیاه	ترتیب رنگها یا نورهای رنگی
گونه ۱: محدثین	مجلسی دوم		رحمت و لطف خدا	خشم و قهر خدا		قدرت خدا					نور الانوار، نور سفید، نور سرخ، نور زرد، نور سبز سیاه
	مجلسی اول		رمز دانش	رمز محبت	رمز عبادت	رمز معرفت					
	قطیفی بحرینی		معانی ائمه عقل کل	طبایع ائمه روح و نفس	رقائق ائمه روح و نفس	ارواح و صور ائمه طبیعت کلی					
گونه ۲: حکما	ملاصدرا		آب، بلغم	آتش، خون	هوا، صفرا	زمین، خون					سفید، زرد، سبز، سرخ
	حسن زاده آملی		ذات بحت (بی نشان)	غلبه و فنای ذوات	تجلی ذات در زمین	مبدأ حیات					
	شیخیه: ابراهیم خان کرمانی		ارکان عرش عقول کروبی	۱.طبیعت ۲.جبرئیل ۳. امام حسین ۴.امام باطنی ۵.عرش ۶اسماء الهی	عالم ارواح (صور لطیف)	عالم ملکوت (نفوس مجرد)		عالم هبا،	عالم مثال	عالم اجساد مادی	اتحاد رنگها، نور سفید، نور زرد، نور سبز، رنگ قرمز، رنگ خاکستری، سبز تیره، سیاه
گونه ۳: صوفیه	نوربخشی: نوربخش و لاهیجی	عالم جبروت	تجلیه روح، نهایت ملکوت علوی	تصفیه قلب به اخلاق حمیده، بدایت ملکوت علوی	میانه ملکوت علوی	عالم طبایع	اطمینان و تزکیه نفس، ملکوت سفلی				سبز، کبود، سرخ، زرد، سفید، نور سیاه (نور جبروت)، غیب الغیوب (مقام بی رنگ)
	نعمت اللهی: زین العابدین شیروانی	مقام خفي و سرّ السرّ، جبروت	سیر روح، ملکوت اعلی	مقام قلب (متّصف باوصاف)، ملکوت سفلی	تخلیه سرّ است از غیر حق، میانه ملکوت	توبه و طاعت و ذکر	تزکیه نفس، (مقام اطمینان)				

تصویر۷. تجلیات حضرت حق متمثل به انوار رنگی به اعتقاد نوربخش و اسیری لاهیجی (نوربخشیه)، به اعتقاد زین العابدبن شیروانی (نعمت اللهیه)،مأخذ:نگارندگان.

آن را به روایت امام سجاد (روایت دوم) در التوحید صدوق مربوط ساخته که عرش را شامل چهار نور و هشت رکن دانسته‌اند (همان، ۲۲۸). به بیانی دیگر قطیفی در تبیین ساختار هستی و تطابق آن با عرش و حقیقت محمدیه، مرتبه سوم حقیقت محمدیه را عرش و ظهور نوری ائمه در چهار مرتبه نور سفید (نمادی از معانی آنها)، نور سرخ (مظهر طبائع آنها)، نور زرد (مظهر رقائق) و نور سبز (نمادی از ارواح و صور آنها) می‌داند (تصویر ٦). مشابه همین تعبیر، در جایی دیگر قطیفی در تطابق انوار با ساختار هستی، نور سفید را متناظر با عقل کل، نور زرد را نماینده روح و نفس به اعتباری، و به اعتباری نور سرخ را نماینده نفس (چرا که سرخ شدید شده نور زرد است) و می‌تواند به مبدأش عقل نزدیکتر باشد و حالت متراکم تری از زرد تلقی گردد. نهایتا نور سبز مظهر جسم کلی یا طبیعت کلی است. و برای هر یک از این انوار به تعداد خلایق تا روز قیامت و حتی بعد از آن مصادیق وجود دارد. و اصل همه انوار سفید است و ضد آن سیاه و ما بین آن طیفی شکل می‌گیرد که متناسب با مراتب وجود است و بین آنها تفاوت در زمان ظهور نیست و بلکه تفاوت ها در رتبه تقرب به نور سفید است و ریشه همه نورها در عالم امر و مشیت است ولی در آنجا بسیط و متراکم‌اند و در آثار گوناگون بخاطر تحقق مشیت متفاوت ظهور پیدا می‌کنند(همان، ۲۳۱-۲۳۲؛ تصویر ٦). مطابق معانی فوق ائمه در ساختار خلقت و اداره هستی تا قیامت نقش عرش را دارند. به تعبیری مرکز مدیریت هستی و کنترل تحولات آن، وجود عرشی و نوری ائمه است. قطیفی مطابق روایات متواتر آغاز و پایان تکامل هر موجود (از ملائکه تا بقیه موجودات) را وجود ائمه دانسته و به این معنا همه را در طواف و دوران حول وجود آنها می‌داند. بدین ترتیب ظهور نوری ائمه (چهار نور رنگین) در تمامی هستی و در مراتب گوناگون وجود (هستی) سیران دارد و در هر مرتبه می‌توان برای آن تأویلی قائل شد.

۲-۱-۳. رنگ در بین علما و عرفا و صوفیان شیعی

نوربخشیه در تاریخ تصوف از آن نظر اهمیت دارد که در ارائه و معرفی حرکتی با جوهر شیعی - صوفی، پیشتاز بود و تا اندازه ای راه را برای تأسیس دولت صفوی هموار کرد(جلالی شیجانی، ۱۳۹۰، ٤٠).در نظام هستی شناسی سید محمد نوربخش۱، عوالم کلیه به پنج قسم، عالم لاهوت، عالم جبروت، عالم ملکوت، عالم ملک، عالم ناسوت که همان عالم انسان کامل است، تقسیم می‌شود. از دیدگاه وی، نور به سه معنای وجود، علم و ضیا است (جلالی شیجانی، ۱۳۹۳، ۲۲٦). به اعتقاد نوربخش از میان انواع تجلی اکثر اوقات تجلیات افعالی حق تعالی، متمثل به انوار رنگی می‌شود و در جمیع رنگها تجلی می‌کند. از نظر وی، طور اول، رویگردانی از مقتضیات طبیعت حیوانی و آمال طینت انسانی، در صحبت مرشد کامل است که باعث صفای کامل در اثر عبادات قالبی و ذکر زبانی شده و به نور سبز ظهور یافته است. در عالم عناصر و طبایع، رنگ سبز اعم الوان است. طور دوم، تزکیه نفس است از اخلاق مذموم شیطانی، سبعی و بهیمی . عالمی بینهایت از نور کبود، نور ملکوت سفلی است و سیران در آن عالم ابتدای سیران در صفت الباطن است. تجلی حق به این رنگ، علامت اطمینان و تزکیه نفس است. طور سوم، تصفیه قلب است به اخلاق حمیده. عالمی بینهایت از نور سرخ، بدایت ملکوت علوی است و تجلی به همین رنگ، علامت کمال تصفیه قلب است. طور چهارم، تخلیه سر است از جهالت و اعتقادات فاسده که به نور زرد است. طور پنجم، تجلیه روح از دنائت همت به علو همت نام دارد. عالمی بی نهایت از نور سفید،

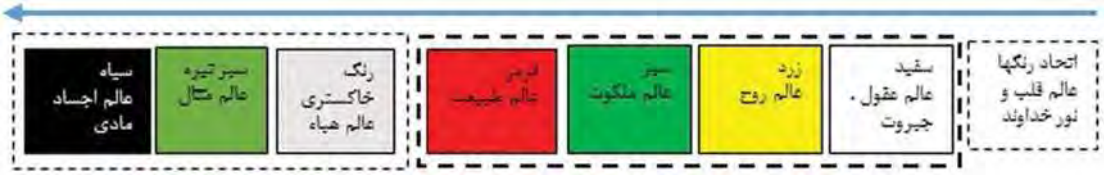

تصویر ۸. ترتیب هفت عالم و رنگهای مربوط به ان از نظر کربن(به نقل از محمد کریم خان کرمانی) با توجه به حدیث حضرت علی، مأخذ: نگارندگان.

نور نهایت ملکوت علوی است. طور ششم، خفی است که در آن تمام انوار متلونه در رنگ سیاه مضمحل می‌شود و جمیع تعینات متکثره در وحدت عالم جبروت طیران می‌کند. بنـابراین، عـالمی بینهایت از نور سیاه، نور جبروت است و تجلـی بـه همـین رنـگ، علامـت کمـال تجلیه خفی از کثرت ماسوی الله است. طور هفتم، که همان غیب الغیوب است، عالمی بینهایت بـی رنـگ و نـور لاهـوت است. فنا و بقاء بالله در این طور رخ میدهد و الوان انوار، صفات اطـوار دل است (همان، ۲۲۹؛ تصویر۷).

اسیری لاهیجی (۸۴۰ه.ق) از مشایخ نوربخشیه نیز، بر این باور است که حق تعالی در تجلی افعالی خود متمثل به انوار رنگی سبز و کبود و سرخ و زرد و سفید و در تجلی صفاتی گاهی به نور سیاه است: "اکنون بدانکه تجلّي که ظهور حقّ است بر دیده دل پاک سالک از روي کلیّت به چهار نوع است: آثاري، افعالي، صفاتي، و ذاتي، آثاري آنست که به صورت جسمانیّات که عالم شهادتست از بسایط علوي و سفلي و مرکّبات به هر صورت که باشد حضرت حق را بیند و در حین رؤیت جزم داند که حضرت حق است؛ آن را تجلّي آثاري مي‌خوانند و از جمیع تجلّیات این تجلّي آثاري و تجلّیات صوري یعني در صورت انسان مشاهده نمودن أتمّ و اعلا است و تجلّي افعالي آنست که حضرت حق به صفتي از صفات فعلي که صفات ربوبیّت‌اند متجلّي شود و اکثر آنست که تجلّیات افعال متمثّل به انوار متلوّنه نماید یعني حضرت حق را به صورت نور سبز و نور کبود و نور سرخ و نور زرد و نور سفید بیند. تجلّي صفاتي آنست که حضرت حق به صفات سبعه ذاتیّه که حیات، و علم، و قدرت، و اراده، و سمع، و بصر، و کلام است متجلّي شود و گاه در تجلّي صفاتي نور سیاه نماید یعني حقّ را متمثّل به صورت نور سیاه بیند و تجلّي ذاتي آنست که سالک در آن تجلي فاني مطلق شود" (اسیري لاهیجي، ۱۳۱۲، ۵۷؛ تصویر ۷).

شاه نعمت‌الله ولي (۷۳۰ ه ق)۲ در رساله «تفسیر آیه نور» می‌گوید: "وعالم مظاهرند و حق تعالي به اسم النور بر ذرات سماوات و ارض اشباح تجلی فرموده و نورالله نورالسموات و الارض، به عیون روشن، اعیان را نموده است. بعضی برآنند که الوان بینند و بعد از آن، نور؛ این غلط دیده اند، بلکه اول نور دیده شود آن گاه الوان بینند به نور " (قابل، ۱۳۸۹، ۲۱۶). همچنین ذکر می‌کند که عین نور قابل الوان زجاج نیست، اما در نظر احمر و اصفر و اخضر نماید (همان، ۲۱۵). زین العابدین شیروانی (۱۱۹۴ ه ق) که از عرفای نعمت اللهی است، سلوک را هفت مرتبه دانسته و برای هر مرتبه نوری رنگی قائل است: «بدانکه سلوک هفت مرتبه دارد که آن را مراتب سبعه خوانند و در هر مرتبه نوري مشاهده مي‌شود و آن نور در هر مقامي به رنگي و لوني نماید مرتبه اوّل توبه و طاعت و ذکر است در این مرتبه نور سبز مشاهده مي‌شود مرتبه دوم تزکیه نفس است از صفات نفساني و هواجس شیطاني در این مرتبه نار و هوا و خاک مشاهده کردد و چون بمقام اطمینان رسد نور کبود ملاحظه نماید. مرتبه سوم چون بمقام قلب رسد و متّصف باوصاف حمیده گردد، نور سرخ مشاهده کند و این در عالم ملکوت باشد. مرتبه چهارم تخلیه سرّ است، از غیر حق‌تعالي و چون سالک بمقام سرّ رسد، نور زرد مشاهده کند. مرتبه پنجم چون سالک سیر روح نماید و در مقامي رسد که مشاهده ارواح کند درین مرتبه نور سفید ملاحظه نماید مرتبه ششم مقام خفي و سرّ السرّ است و چون عارف بدین مقام رسد در واقعه نور سیاه مشاهده کند و آن عالم جبروت است مرتبه هفتم غیب‌الغیوب است که آن را فناء در فناء کویند و آن مقام بي‌رنگ است و فناء في الله عبارت از انعدام وجود موهومي است (شیرواني، ۱۳۱۵، ۲۸۹؛ تصویر۷).

شیخ محمد کریم خان کرمانی هشت عالم (هفت عالم بعلاوه عالم الوهیت مخفی) و رنگ نور آنها را با توجه به این حدیث بدین صورت می‌داند: که انوار در " عالم قلب و نور خداوند" به صورت انوار حقیقی واقعی وجود دارند. در آنجا رنگ ها در یک اتحاد احدی متعالی، بدون قبول هیچگونه تعددی متحد شده‌اند. ۱. "چهار رکن عرش" یا عالم العقول که به نور سفیدند. ۲. "عالم ارواح" یا عالم صورتهای لطیف(برزخیه) در میان عقول و و نفوس [معنا و صورت] است و به نور زرد است. ۳."عالم ملکوت" یا عالم نفوس مجرد از ماده است و به نور سبز است. ۴. "عالم طبیعت" که به رنگ قرمز است. ۵. "عالم هباء"به رنگ خاکستری است . ۶. "عالم مثال" سبز تیره است.۷. "عالم اجسام مادی" : که سیاه است (کربن، ۱۳۸۹، ۲۲۴-۲۲۵؛ تصویر ۸).

در جدول ۲ خلاصه دیدگاههای محدثین و حکما و عرفای

تصویر ۹ .معانی و مراتب رنگی از دیدگاه نجم الدین کبری، مأخذ: نگارندگان.

جدول ۳. دیدگاه برخی عرفای سنی در مورد معانی رنگ ها و شهود مراتب رنگین در سلوک، مأخذ: نگارندگان.

		ترتیب رنگها به ترتیب نزول	بی رنگی	نورمطلق	نور سیاه	سفید	سرخ	زرد	سبز	کبود
کبرویه	نجم الدین کبری						قدرت و همت	ضعف و فتوری	حیات قلب	حیات نفس
	نجم رازی	نور سبز، نور سپید، نور زرد، نور سرخ، نوری به رنگ کبود	مرحله شهود کامل			از بین رفتن ظلمات نفس (اسلام)	کمتر شدن ظلمات نفس	غلبه نور روح (ایمان)	نور روح و صفای دل (نفس مطمئنه)	سالک در مرتبه نفس لوامه
	علاء الدوله سمنانی	نور مطلق (با پرده سبز)، نورخفی (با پرده سیاه)، زرد، نور سبز (با پرده سفید)، سرخ، کبود، پرده مکدر		نور مطلق (با پرده سبز)،	نورخفی (با پرده سیاه)،		نور دل، استقامت در سلوک	نور روح، ضعیف شدن نفس و قوی شدن دل	(نور سبز با پرده سفید): علم لدنی	روی گردانی از غیب و شهادت آفاق، نور نفس
نقشبندیه		بی رنگ، سبز، سیاه، سفید، سرخ، زرد	نور لطیفه نفس		نور لطیفه خفی	نور لطیفه سر	نور لطیفه روح	نور لطیفه قلب	نور لطیفه خفی	
	میبدی	بی رنگی، نور سیاه، سفید، زرد، سرخ، کبود، سبز	غیب الغیوب، لاهوت		عالم جبروت (نهایت سیر خفی)	مرتبه روح، اواخر ملکوت علوی	تحلیه قلب، اوایل ملکوت علوی	تخلیه سر، اواسط ملکوت علوی	توبه و طاعت و ذکر	تزکیه نفس، مرتبه اطمینان، ملکوت سفلی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تصویر ۱۰. مشاهدات روحانی نورانی عارف سالک متناسب با سطح معرفت و پاکی، از نظر نجم الدین رازی، مأخذ: نگارندگان.

تصویر ۱۱. هفت مرتبه سلوک و انوار رنگی مربوط به هر مرتبه، به اعتقاد علاءالدوله سمنانی، مأخذ: نگارندگان.

تصویر ۱۲. ترتیب مشاهده نورهای رنگی توسط سالک از نظر میبدی، مأخذ: نگارندگان.

تصویر۱۳. مشاهدات انوار رنگین سالک طریقت نقشبندیه در ذکر الله، مأخذ: نگارندگان.

شیعی در باب رنگ ها و مراتب رنگی ارائه گردیده است (جدول ۲).

۲-۲. رنگ در بین عرفای اهل تسنن

نجم الدین کبری یکی از عرفایی است که توجه خود را به پدیدارهای شهودی رنگها و اشراقات رنگی معطوف کرد که بر عارف در حالات معنوی وی ظاهر می‌شوند (کربن ۱۳۸۰، ۴۲۱). از نظر نجم الدین کبری که طریقت خود را "طریق الکیمیا" می‌داند، هدف استخراج لطیفه نورانی از عناصر ظلمانی است. از دیدگاه او "رنگ سبز نشاني از حیات دل است و رنگ آتش در صورتي که بیرون از کدورت بود و صاف و پاک باشد نشاني از حیات همت است و همت همان قدرت است و اگر در آن حال رنگ کدري را به مشاهده خود در آوردي باید بداني که آن رنگ نشاني از آتش شدت و ناراحتي است و دلیل بر آن است که سالک سایر بر اثر مجاهده با نفس و شیطان به رنج و زحمت گرفتار شده است و رنگ کبود رنگ حیات نفس و رنگ زرد نشاني از ضعف و ناتواني است»(نجم الدین کبری، ۱۳۶۸، ۷۶؛ تصویر ۹).

پس از نجم الدین کبری، شاگردش نجم رازی(٦٥٤ ق) به ذکر مسائل سیر و سلوک با استفاده از تمثیلات رنگی نور پرداخته است. از دیدگاه وی چنانچه دل با ذکر صیقل خورد، توانایی مشاهده انوار معنوی را پیدا می‌کند. مشاهدات روحانی عارف در سیر و سلوک، متناسب با سطح معرفت و پاکی روحش، متفاوت می‌شود. و این تفاوت با رنگ ها نمایانده می‌شود. اگر سالک در مرتبه نفس لوامه باشد، نوری به رنگ کبود می‌بیند. و نفس در این مرحله هنوز با ظلمت پیوستگی دارد و به همین دلیل است که سالکان مبتدی رنگ جامه خود را کبود انتخاب می‌کند. چون ظلمت نفس کمتر شود و نورروح زیادت گردد، نوری سرخ مشاهده شود و چون نور روح غلبه کند نوری زرد آشکار و چون ظلمت نفس نماند نوری سپید پدید آید و چون نور روح با صفای دل همراه شود، نوری سبز پدید آید، وچون دل تمامی صافی شود، خورشید درکمال اشعه که در انیه صافی ظاهرشود پدید آید که البته نظر چشم از قوت شعاع او بر او ظفر نیابد. پس آنگه که سالک به مرحله شهود کامل برسد دیگر رنگ از میان برمی خیزد و بی رنگی حاکم می‌شود (بلخاری، ١٣٨٤، ٤٨٨؛ تصویر ۱۰).

علاءالدوله سمنانی (وفات ٧٣٦ ق) از علمای کبرویه مراتب رنگی شهودی سالک را اینگونه بیان می‌کند: «مقصود آنکه چون مرد سالک روي از غیب و شهادت آفاق بگرداند و از شهادت انفس نیز اعراض کند و روي به غیب انفس آرد، اول پرده [اي] که در نظر او آید، پرده مکدر باشد که پرده غیب شیطان است . بعد از این چون وجود ملطخ به لقمات حظوظي و ملوث به قاذورات معاصي بکل سوخته گشت و به سبب آتش ذکر فنا حاصل آمد نور نفس به ظهور آید و پرده کبود خوش‌رنگ باشد. بعد از آن نور دل طلوع کند و پرده او سرخ عقیق رنگ باشد، سالک را از دیدن آن نور ذوقي عظیم به دل رسد و استقامتي در سلوک پدید آید. بعد از آن نور سبز پرتو اندازد و پرده او سفید باشد. و در این مقام علم لدني کشف شدن گیرد. بعد از آن نور روح انسي اشراق کند و پرده او زردیي به‌غایت خوشاینده بود، و از دیدن او نفس ضعیف و دل قوي گردد. بعد از آن نور خفي که روح القدس اشارت بدو است در تجلي آید و پرده او سیاه باشد، سیاهیي به‌غایت صافي و عظیم باهیبت. گاه باشد که از دیدن این پرده سیاه سالک فاني شود و رعشه بر وجود او افتد." (سمنانی، ۱۳۸۳، ۳۰۲؛ تصویر ۱۱) .

میبدی (وفات ۹۱۱ ق)، از عرفای اهل سنت، در ترجمه و شرح دیوان امام علی (ع) ترتیب مشاهده نورهای رنگی توسط سالک حق را اینگونه بیان می‌کند: «صوفیّه گویند سالک را منازل است، و اوّل منازل توبه و طاعت و ذکرست، و درین مرتبه نور سبز متمثّل شود. ثاني تزکیه نفس از صفات شیطاني و سبعي و بهیمي؛ چه نفس تا بصفات شیطاني گرفتارست، امّاره است و چون از آن خلاص یافت و بصفات سبعي مبتلاست، لوّامه است و چون از آن مبرّا شد و بصفات بهیمي آلوده است، ملهمه است و چون از آن معرّي شد، مطمئنّه است. و فرق میان شیطنت امّاره و سبعیّت لوّامه آنست که شرّ اوّل متعدّیست و شرّ ثاني لازم. و ترقّي سالک در طور نفس نزولي است؛ چه امّاره به صفت نار است و لوّامه به صفت هوا و ملهمه به صفت آب و مطمئنّه به صفت خاک. و در مرتبه اطمینان نور کبود متمثّل شود. و نهایت سیر مطمئنّه ملکوت سفلي است.ثالث تحلیه قلب به اخلاق حمیده، و در این مرتبه نور سرخ متمثّل شود و دل ذاکر گردد و نور طاعات و اخلاق و صفات روحانیّه بیند، و نهایت سیر قلب اوایل ملکوت علوي است. رابع تخلیه سرّ از غیر حقّ، و درین مرتبه نور زرد متمثّل شود، و نهایت سیر سرّ اواسط ملکوت علوي است. خامس مرتبه روح، و درین مرتبه نور سفید متمثّل شود، و نهایت سیر روح اواخر

ملکوت علوي است. سادس مرتبه خفي، و درين مرتبه نور سیاه متمثّل گردد، و نهایت سیر خفي عالم جبروتست. سابع غیب الغیوب که مرتبه فنا و بقاست" (میبدي، ۱۳۷۶، ۱۴۵؛ تصویر ۱۲). قابل ذکر است که میبدی شافعی مذهب بوده ولی تمایلات شیعی داشته است و همانگونه که در تصویر ۷ مشاهده می‌کنید، مراتب رنگی از منظر میبدی مانند صوفیان نوربخشی و تعمت اللهی است.

در مراحل سلوکی طریقه نقشبندیه نیز به شهود نورهای رنگین اشاره شده است. نقشبندیه طریقتی منسوب به خواجه بهاءالدین محمد نقشبند (۷۱۷-۷۹۱ق) است ۳ احمد فاروقی سر هندی (معروف به حضرت مجدد الف ثانی)، از بزرگان نقشبندیه، عالم امر را پنج مرتبه قلب، روح، سر، خفی و اخفی نام می‌برد و می‌گوید: «ادراک و اطلاع بر حقایق جواهر خمسه عالم امر نصیب کاملان امت رسول الله است و چون عالم صغیر (انسان) نمونه ایست از آنچه در عالم کبیر است؛ در عالم کبیر نیز این جواهر خمسه ثابت باشند و عرش مجید، مبدأ این جواهرات در عالم کبیر است، در رنگ قلب انسان و به این مناسبت قلب را عرش الله گویند و باقی مراتب از جواهر پنجگانه، فوق عرش‌اند. عرش و قلب برزخ‌اند میان عالم امر و خلق»(مجدد الف ثانی، ۱۳۸۳، ۱۴۵-

جدول ٤. مقایسه مراتب رنگی شهودی علما، عرفای شیعی و سنی، مأخذ: نگارندگان.

شیعه	حسن زاده آملی					سفید					
	ملاصدرا					سفید					
	شیخیه				بی رنگی	سفید					
	مجلسی				نورالانوار	سفید					
	قطیفی					سفید					
	نوربخشی			بی رنگی	نور سیاه	سفید					
	نعمت اللهی			بی رنگی	نور سیاه	سفید					
سنی	میبدی			بی رنگی	نور سیاه	سفید					
	کبرویه	نجم رازی				سفید					
		کبری									
		سمنانی			نور سیاه		سفید				
	نقشبندیه		بی رنگی		نور سیاه	سفید					

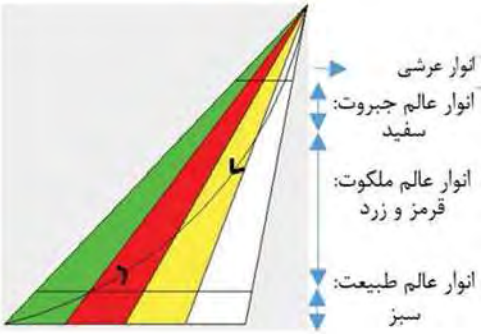

تصویر۱٤ (چپ). الگوی هرمی بر اساس مراتب رنگی مجلسی و قطیفی(رنگ سفید و زرد در قوس نزول و سبز در قوس نزول)

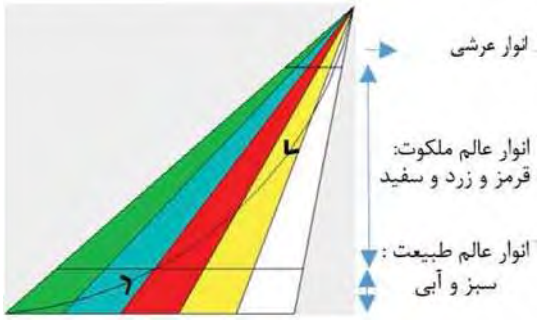

.تصویر۱۵ (راست). الگوی هرمی بر اساس مراتب رنگی طریقت نعمت االهی (رنگ سفید و زرد در قوس نزول و رنگ‌های سبز و آبی در قوس صعود)، مأخذ: نگارندگان.

۱٤٦). و بنابراین مشاهدات انوار رنگی در طریقت نقشبندیه از لطیفه قلبیه آغاز شده و بدین صورت است: ۱.نور لطیفه قلب، زرد ۲. نور لطیفه روح، سرخ ۳. نور لطیفه سر، سفید ٤. نور لطیفه خفی، سیاه ٥. نور لطیفه خفی، سبز ٦. نور لطیفه نفس، بی رنگ (مدرسی چهاردهی، ۱۳٥۳، ۸۱٤-۸۱۳؛ تصویر ۱۳). در جدول ۳ خلاصه عرفای سنی در باب رنگ ها و مراتب رنگی ارائه گردیده است (جدول۳).

۲-۳. تشابهات و تمایزات مراتب رنگی شهودی عرفای شیعی و سنی

مطالعات نظریات محدثین، حکما و عرفای شیعی و سنی در مورد انوار رنگین و نماد پردازی‌های آن، نشان می‌دهد که دو گونه نگرش در این زمینه وجود دارد. عده‌ای با نگرش هستی شناسانه، "تجلیات نوری" حق تعالی را در ساختار هستی بیان کرده‌اند. و عده‌ای دیگر با نگاه معرفت‌شناسانه "انوار متجلی" شده در حین سلوک الی الله را معرفی کرده اند.

البته نمی توان رابطه بین این دو را نادیده گرفت. نگرش اول، که در نمونه‌های شیعی دیده شد، تجلی حق تعالی را بصورت انوار اربعه عرش بیان کرده که آن انوار نیز در بقیه مراتب هستی، تجلی و ظهور یافته‌اند. محدثین، حکما و عرفای شیعه در هر دو نگاه هستی شناسانه و معرفت شناسانه، از الگوی خاصی تبعیت می‌کنند (تصویر ۱۴ و۱۵) . این الگو بصورت هرمی ست که در آن تجلیات افعالی حضرت حق، بصورت انوار اربعه عرش نمایش داده شده، و همین چهار نور رنگین در دیگر مراتب هستی تجلی و ظهور کرده است و بصورت قوس نزول نمایش داده شده است (تصویر ۱۴)(قابل ذکر است که برخی از عرفا رنگ آبی را از رنگ سبز جدا کرده و بطور مستقل نشان داده اند). بر همین اساس، درجهت کمال نفس و سلوک الی الله، قوس صعود از پایین ترین مراتب به سوی بالاترین مراتب هستی نشان داده شده است (تصویر ۱۴). در تمامی موارد بررسی شده علما و عرفای شیعی، سفید در بالاترین مراتب رنگی، و قبل آن زرد است. و اختلاف در شروع مراتب با سرخ و سبز است. برخی مانند نوربخشی و نعمت اللهی و قطیفی و مجلسی شروع مراتب(عالم جسم یا طبیعت کلی) را سبز (تصویر ۱۴ و ۱۵)و برخی مانند حسن زاده آملی، ملاصدرا و محمد کریم کرمانی سرخ دیده اند (جدول ۲ و۴) .

نکته آن که، در نماد پردازی شیعه، رنگ سفید، زرد و قرمز (تجلی انوار)، در ابتدای قوس نزول قرار گرفته و رنگ سبز و آبی (کبود) در ابتدای قوس صعود (انوار متجلی). حسن زاده آملی و شیخیه، رنگ سفید و زرد را ابتدای قوس نزول و قرمز را ابتدای قوس صعود دیده‌اند. رنگ کبود در نوربخشی و نعمت اللهی (شیعه) و کبرویه و میبدی (سنی) در مراحل ابتدایی سلوک (قوس صعود) است. در نگاه این سه، رنگ نشان تزکیه نفس و مرتبه اطمینان است و این رنگ ابتدای سیران در صفت "الباطن" است (جدول ۲، ۳ و ۴). بطور نمونه اهمیت رنگ ملکوتی زرد، در مسجد شیخ لطف الله و مدرسه چهارباغ در بخش‌های بالایی فضاهای داخلی و بخصوص در رأس قوس ها که تداعی کننده قوس نزول و در بخش‌های پایین تر (قوس صعود) رنگ آبی مشاهده می‌شود (تصویر۱۶و۱۷).

اما در همه موارد بررسی شده عرفای سنی، بجز میبدی، بالاترین مرتبه رنگی سبز است. در واقع نور مرتبه جبروت را که برخی از طریقت‌های شیعی از آن به نور سیاه اطلاق کرده اند، در طریقت‌های سنی این نور خفی را سبز (با پرده‌ای سبز رنگ) دیده اند(جدول ۳ و ۴). در مراتب رنگی عرفای سنی (بجز نقشبندیه)، رنگ کبود (آبی) در ابتدای سلوک است، که این رنگ رویگردانی از آفاق است و نمایانگر مراتب ابتدایی نفس است (جدول ۳ و ۴). بعبارتی در نگاه عرفای اهل سنت، در قوس صعود (انوار متجلی)، اولین رنگ کبود (آبی) است، که نمونه استفاده از رنگ آبی را می‌توان در تزیینات کاشیکاری فضاهای خارجی مدرسه (قوس صعود) غیاثیه خرگرد مشاهده کرد (تصویر ۱۸)، اما تزیینات داخلی این بنا رنگین نیست (تصویر ۱۹).

همچنین مراتب رنگی شهودی طریقت نقشبندیه با دیگر موارد سنی و شیعه بررسی شده متفاوت است. شروع

جدول ۵ .رنگ های موجود در تزیینات خانقاه شیخ صفی الدین اردبیلی، مأخذ: نگارندگان.

خانقاه شیخ صفی الدین اردبیلی	رنگهای استفاده شده در فضای داخلی			
	طلایی، قرمز (تیره و روشن)، سبز، سفید، زرد، لاجوردی تیره و روشن، آبی فیروزه‌ای، اخرایی، قهوه‌ای، ، مشکی			
	رنگهای استفاده شده در فضای خارجی			
	آبی فیروزه‌ای، آبی لاجوردی، سبز آبی، سبز، سفید، مشکی، زرد، زرد–نارنجی، قهوه‌ای			

مراتب رنگی با رنگ زرد است که نمایانگر لطیفه قلب است (جدول ۳ و ۴) و علت تفاوت همین شروع شهود انوار متجلی از لطیفه قلبیه است و لطیفه نفسیه را بیان نکرده‌اند.

۳. بررسی رنگهای مورد استفاده در خانقاه مزارهای قرن هشتم

۳-۱. بررسی رنگهای مورد استفاده در خانقاه‌های شیعی

۳-۱-۱. خانقاه شیخ صفی الدین اردبیلی

صفی‌الدین اردبیلی (۶۵۰-۷۳۵ق)، تحت تأثیر طریقت شیخ زاهد گیلانی بوده است. شیخ زاهد از متصوفه قرن هفتم بود. عده‌ای سلسله تصوف شیخ زاهد را پس از چهارده سلسله به امام رضا منتسب کرده‌اند و عده‌ای دیگر نسبت او را، پس از شانزده سلسله به حضرت علی (ع) می‌رسانند (یوسف جمالی و پناهی، ۱۳۸۶، ۲۳۴). هر چند در سنی بودن شیخ زاهد شکی نیست، اما در این دوران تصوف به تشیع بسیار نزدیک شد (همان). بعد از به حکومت رسیدن صفویان، سران طریقه نوربخشی و همچنین نعمت اللهی، با خاندان صفوی رابطه خویشاوندی برقرار کردند و نزدیکی دو گرایش نوربخشی و صفوی بیشتر شد؛ چنان که قاضی نور الله شوشتری را یک صوفی نوربخشی دانسته‌اند و نیز شیخ بهایی را نیز از پیروان نوربخشیه شمرده‌اند (جلالی شیجانی، ۱۳۹۷، ۱۶).

بقعه شیخ صفی پس از وفات شیخ به سال ۷۳۵ه. ق. پایه‌گذاری شد. سپس در دوره صفویه واحدهایی به مجموعه قبلی اضافه شد. خانقاه شیخ صفی الدین شامل سردر بیرون بقعه، سردر ورودی بقعه، حیاط باغچه، حیاط کوچک، حیاط بزرگ، دارالمتولی، جنت‌سرا، قندیل‌خانه، مقبره شیخ صفی‌الدین، مقبره‌ی شاه اسماعیل اول، حرم خانه، چینی خانه. رنگهای استفاده شده در این مجموعه، هم در فضاهای داخلی مجموعه و هم در نماهای خارجی و پوشش گنبدها بسیار متنوع است. آبی فیروزه‌ای، لاجوردی و سورمه‌ای، سبز آبی، سبز، سفید، مشکی، زرد، طلایی، زرد–نارنجی، قرمز و قهوه‌ای از رنگهایی ست که در کاشیکاریهای خارجی این مجموعه بکار بسته شده‌اند. طیف آبی رنگ غالب در نمای خارجی این مجموعه است. در فضاهای داخلی، تنوع بی نظیری از رنگها موجود است. یکی از رنگهایی که در این بنا خودنمایی می‌کند، طلایی ست. همچنین رنگهایی از طیف قرمز و سبز، سفید، زرد، لاجوردی تیره و روشن، آبی فیروزه‌ای، مشکی در تزیینات داخلی استفاده شده است. رنگهای طلایی، قرمز، سبز، لاجوردی بیشتر در ارتفاع‌های بالاتر و نیز در پوشش داخلی گنبد و نیم گنبدها دیده می‌شوند. اما در ارتفاع پایین تر کاشیکاری انجام شده و رنگ غالب آبی است و رنگهای زرد و سفید و سبز نیز همراه آن بکار رفته‌اند (تصاویر جدول ۵).

جدول ٦. رنگ های موجود در خانقاه شاه نعمت الله ولی .

خانقاه شاه نعمت‌الله ولی	رنگهای استفاده شده در فضای داخلی	
		قرمز، سبز، سبز زیتونی، سفید، زرد، لاجوردی، آبی (آبی فیروزه ای)، طلایی، اخرایی، قهوه‌ای، خاکستری- مشکی، مشکی
	رنگهای استفاده شده در فضای خارجی	
		آبی فیروزه‌ای، آبی لاجوردی، سبز آبی، سفید، مشکی، زرد، قهوه‌ای، طلایی

۳-۱-۲. خانقاه شاه نعمت‌الله ولی

از نعمت‌الله ولی (۷۳۰ ق) که نسبش به امام محمد باقر، آثار متعددی بر جای مانده که موضوعات آنها در باب حکمت عرفانی است و بیشتر به مسائل خاص تشیع اثنی عشری مربوط می‌شود(کربن، ۱۳۸۰، ۴۳۸). مجموعه خانقاه شامل ورودی، صحن، حسینیه، رواق، حرم، مرقد، گنبد، چله خانه شیخ، آرامگاه شاه خلیل است.در سر در غربی مقبره، کاشیکاری معرق با نقش اسلیمی و رنگ‌های لاجوردی، فیروزه‌ای، سفید و طلایی مشهود است. دو مناره، رواق شاه عباسی و دارالحفاظ، سردر محمد شاهی، صحن وکیلی، صحن اتابکی و صحن میرداماد از جمله قسمتهای مختلف مجموعه خانقاهی شاه نعمت‌الله ولی می‌باشند. بقعه شاه نعمت‌الله نیز دارای گنبدی مزین به نقاشی‌های روی گچ است. در ضلع جنوب غربی رواق پشت حرم فضای کوچکی است که شاه ولی حداقل یک چله (چهل شبانه روز) را در آن سپری کرده است. تزئینات رنگین داخل آن بنا مربوط به دوران بعد از تیموریان است. بطور کلی تزیینات نمای خارجی و گنبد، با کاشی و بیشتر به رنگ آبی فیروزه‌ای و لاجوردی ست و رنگهای سبز، سبز-آبی، زرد، سفید، مشکی، قهوه‌ای و طلایی نیز همراه رنگ آبی استفاده شده است.

اما در داخل مجموعه خانقاه طیف رنگها متفاوت می‌شود. رنگهای قرمز، زرد و سبز بیشتر به چشم می‌خورند، بخصوص در چله خانه شاه نعمت‌الله این امر مشهود است. علاوه بر آنها سفید، آبی فیروزه‌ای و لاجوردی، طلایی، سبز زیتونی، اخرایی، قهوه‌ای، خاکستری، مشکی نیز همنشین این رنگها بوده‌اند. در داخل بنا، تزیینات در ارتفاع پایین بصورت کاشیکاری بارنگ آبی و زرد است و در ارتفاع‌های بالاتر، خطاطی و نقوش اسلیمی و ختایی روی گچ مزین به آیات قرآن و اسماء متبرک چهارده معصوم، با رنگهای غالب قرمز، سبز و زرد، سفید و نیز رنگهای لاجوردی، طلایی، خاکستری و مشکی است (تصاویر جدول٦).

۲،۳.بررسی رنگهای مورد استفاده در خانقاه‌های اهل تسنن

۱،۲،۳.آرامگاه شیخ احمد جام

شیخ احمد نامقی جامی (٤٤٠-٥٣٦ ق) از بزرگان سلسله

جدول ۷ .رنگ های موجود در تزیی‌نات خانقاه شیخ احمد جام ، مأخذ: نگارندگان.

	رنگهای استفاده شده در فضای داخلی	
خانقاه شیخ احمد جام		
	لاجوردی، قرمز- قهوه‌ای، قهوه‌ای، سفید، زرد، مشکی، آبی فیروزه ای	
	رنگهای استفاده شده در فضای خارجی	
	آبی فیروزه‌ای، آبی لاجوردی، سفید، مشکی، زرد، قرمز- قهوه‌ای، قهوه ای	

نقشبندیه است و مزارش در تربت جام است و تعدادی از مشایخ نقشبندیه نیز، در کنار مزارش مدفونند (مدرسی چهاردهی، ۱۳۵۳، ۸۱۲-۸۱۳). خانقاه مزار شیخ احمد جام، شامل سر در ورودی، گنبدخانه اصلی، گنبد سفید، مسجد کرمانی، مدرسه، مسجد جامع شاهرخ، مسجد جامع عتیق، آب انبار و مزار شیخ احمد جام است. سر در ورودی مزار شیخ احمد جام که تنها ورودی محوطه اصلی مزار است، نقش هایی به رنگ‌های لاجوردی و قرمز آذین بسته شده‌اند. ایوان آرامگاه دارای تزئینات کاشی معرق، مقرنس و کاربندی ست. کتیبه‌های ایوان به خط ثلث به رنگ سفید بر زمینه لاجوردی است. همچنین در پیشانی ایوان نقوش گیاهی اسلیمی زرد رنگ و سفید بر زمینه آبی نقش بسته شده است. همچنین زمینه گنبد مدرسه فیروزشاهی، آبی فیروزه‌ای است و با نقوش هندسی سفید رنگ آذین بسته شده است. بخش میانی گریو با کاشی‌های لاجوردی و بخش پایینی با گره‌های هندسی در زمینه سفید پوشانده شده است و خود گره نیز به رنگ فیروزه‌ای است. نمای خارجی مدرسه فیروزشاهی نیز، با کاشی معقلی فیروزه‌ای و لاجوردی پوشانده شده است. گنبدخانه اصلی، از داخل دارای نقوش و خطوطی به رنگهای لاجوردی، سفید و قرمز- قهوه‌ای است. فضای داخلی مسجد عتیق با آجرکاری و گچبری پوشانده شده است و تزیینات رنگی چندانی به چشم نمی خورد، جز بخشهایی از کتیبه‌ای که رنگهای لاجوردی و سفید آن مشخص است. فضای داخلی مسجد جامع شاهرخ در وضعیت فعلی با گچ سفید پوشانده شده است. بخشهایی از داخل مسجد کرمانی با کاشی معرق لاجوردی، زرد، قهوه‌ای، سفید آذین بسته شده است (تصاویر جدول ۷).

۳-۲-۲.آرامگاه بایزید بسطامی

ابویزید طیفور بن عیسی بن سروشان (وفات ۲۳۴ یا ۲۶۱ق) یکی از بزرگترین صوفیان اسلام است و از اقطاب طریقت نقشبندیه است. مجموعه بایزید شامل آرامگاه بایزید، امام زاده محمد و مسجد مجاور آن، شبستان‌های مسجد بایزید،

جدول ۸ .رنگ‌های موجود در تزیینات آرامگاه بایزید بسطامی، مأخذ: نگارندگان.

آرامگاه بایزید بسطامی	**رنگهای استفاده شده در فضای داخلی (امامزاده، بخش شیعی)**
	رنگ‌های خاکستری، سبز، عنابی، طلایی، قهوه‌ای، گونه‌ای آبی، سرمه‌ای و مشکی، سفید، فیروزه‌ای و لاجوردی.
	رنگهای استفاده شده در فضای داخلی(مسجد بایزید بسطامی)
	تزیینات آجرکاری و گچبری (بدون رنگ)
	رنگهای استفاده شده در فضای خارجی
	آبی فیروزه‌ای، آبی لاجوردی (بسیار کم)، مشکی (بسیار کم)

منار آجری، خانقاه، گنبد غازان خان، ایوان غازان خان و گنبدخانه‌ای به نام "سردابه" است. در قسمت شرقی مجموعه، ایوانی دیده می‌شود که تمام سطوح بنا به جز مقرنس کاری ها با سفال لعابدار پوشیده شده است. گنبد غازان خان در اواخر قرن هفتم یا اوایل قرن هشتم ساخته شده است. این مقبره دارای گنبد رُک با کاشی‌های فیروزه‌ای است. امامزاده محمد در ضلع جنوبی صحن مجموعه واقع و مدفن نواده امام صادق(ع) است، بنای امامزاده شبیه گنبد غازان خان است، بنای اولیه بقعه مربوط به غازان خان(۶۷۰-۷۰۳ ه-ق) و تعمیرات آن مربوط به دوره ال جاتیو است.ایوان امامزاده بلند و دارای تزئینات آجری فوق‌العاده زیبایی در نمای خارجی است. در بخش داخلی امام زاده محمد تزیینات گیاهی دیده می‌شود که به نظر می‌رسد از دوره قاجار باشد. در ازاره رنگ‌های فیروزه‌ای و لاجوردی روشن و در دیوارها و زیر گنبد رنگ‌های خاکستری، سبز، عنابی، طلایی، قهوه‌ای، گونه‌ای آبی، سرمه ای و مشکی، سفید دیده می‌شود. در مرکزیت گنبد رنگ عنابی کار شده است (تصاویر جدول ۸).

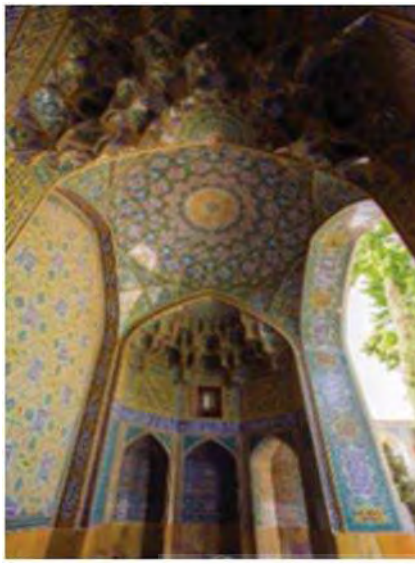

تصویر۱۶ و ۱۷ . استفاده از رنگ زرد، در بالایی ترین نقطه (قوس نزول)پوسته داخلی گنبد مسجد شیخ لطف الله و یکی از ایوانهای مدرسه چهارباغ (دو بنای شاخص شیعه در عصر صفوی) و نیز استفاده از رنگ آبی در بخش‌های پایینی دو بنا (قوس صعود)، مأخذ: نگارندگان.

تصویر ۱۸ و۱۹ . استفاده از رنگ فیروزه‌ای (قوس صعود) و لاجوردی در حیاط مدرسه تیموری غیاثیه خرگرد و تزیینات بدون رنگ گنبدخانه این مدرسه(قوس نزول)، مأخذ: نگارندگان.

۳-۳. تشابهات و تمایزات مراتب رنگی در نمونه خانقاه‌های شیعی و سنی

با توجه به نمونه‌های بررسی شده، در چهار مورد خانقاه رنگ غالب در نمای خارجی، آبی است(تصویر ۲۰،۱) که در گرایش‌های سنی یاد شده به معنای رویگردانی از آفاق و در گرایش‌های شیعه، نشان تزکیه نفس و اطمینان است. اما در تزیینات رنگی فضای داخلی خانقاه ها تمایزات چشمگیری وجود دارد. رنگ‌های بکار برده شده در فضای داخلی خانقاه‌های شیعی شامل قرمز، سبز، زرد، سفید، مشکی، لاجوردی و طلایی است (تصویر ۲۰،۳) که این رنگ ها در مراتب رنگی عرفای شیعی، نماد عالم ملکوت و جبروت است، همچنین این رنگ ها از نظر شیعه اهمیت ولایی دارد . در مجموعه بایزید بسطامی (بجز بخش امامزاده محمد)، تزیینات رنگی دیده نمی شود(تصویر ۲۰،۲، راست). به نظر می‌رسد که این امر، به اهمیت نمادین رنگ سفید و بی رنگی

۱

تصویر ۲۰،۱ .مراتب رنگی نمای خارجی خانقاه‌های شیعی و سنی.

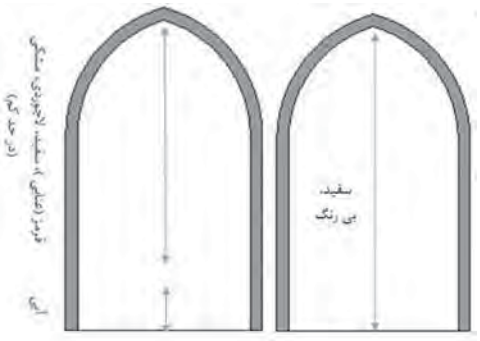

۲

۲۰،۲.مراتب رنگی فضای داخلی خانقاه‌های سنی.

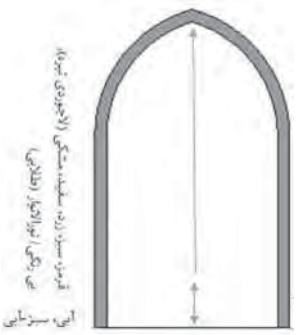

۳

۲۰،۳ . مراتب رنگی فضای داخلی خانقاه‌های شیعی، مأخذ: نگارندگان.

از منظر عرفای سنی (بخصوص طریقت نقشبندیه) بازمی گردد. در خانقاه شیخ احمد جام تزیینات رنگی قرمز (عنابی)، سفید، لاجوردی و مشکی استفاده شده است(تصویر ۲۰،۲، چپ) ولی در مقایسه با تزیینات رنگی فضاهای داخلی شیعی از شدت بسیار کمتری برخوردار است.

نتیجه

در منابع معتبر شیعی به روایاتی از ائمه اشاره شده است که به توصیف رنگ در هستی در آغاز آفرینش پرداخته‌اند. مهمترین آنها روایتی از حضرت علی (ع) است که می‌فرمایند خدای تعالی عرش را از چهار نور سرخ، سبز، زرد و سفید آفریده است که هر آنچه سرخی، سبزی، زردی و سپیدی است از آن ها ریشه گرفته است. از مهمترین تأویل‌های این روایت و روایات مشابه آن که از دیگر ائمه نقل شده است، این است که ساختار هستی در تطابق و موازنه با این چهار نور عرش‌اند و این چهار نور رنگین، در برخی شروح، ظهور نوری ائمه است و ظهور و تجلی نوری ائمه در ساختار هستی سریان دارد. این روایات و تعابیر آنها نمادپردازی رنگ را در بین علما و عرفای شیعی و به پیروی از آن هنرمندان معمار را که بعضا تحت تعالیم صوفیانه و خانقاهی بوده اند، به شدت تقویت می‌کند. از میان مکتب‌های عرفانی در ایران، مکتب ابن عربی و صوفیانی که به نحوی تحت تأثیر او بوده اند، مانند طریقت کبرویه و سپس شاخه‌های کبرویه مانند نوربخشیه و همچنین طریقت نعمت اللهیه به توصیف منازل سلوک و اطوار قلب، از طریق انوار و الوان پرداخته‌اند. تعالیم این صوفیان، منجمله دیدگاه آنان نسبت به تجلی افعالی حق تعالی به صورت مراتب نورهای رنگین در معماری خانقاه-مزارهای قرن هشتم و نهم هجری نمود پیدا کرده است.

طبق این پژوهش شباهتهایی بین رمزپردازی‌های رنگین علما و طریقت‌های شیعی و سنی وجود دارد؛ چرا که طریقت‌های شیعی و سنی (بجز نقشبندیه)، سلسله خود را به حضرت علی (ع) می‌رسانند. یکی دیگر از دلایل این شباهت، تأثیرپذیری طریقت‌های کبرویه و شاخه‌های آن (مانند نوربخشیه) و نیز طریقت نعمت اللهیه از مکتب عرفانی ابن عربی است. در شخصی مانند نجم الدین کبری با مذهب سنی، تمایلات شیعی دیده می‌شود و برخی پیروان او مانند سعد الدین حمویه گرایش واضح شیعی داشتند. مفاهیم و آموزه‌های مکتب کبرویه با گرایش‌های آشکار شیعی در نظام فکری سلسله‌های بعدی تصوف نفوذ یافت. و عملا تفکرات نجم الدین کبری بر سلسله کبرویه و شاخه‌های ذهبیه و نوربخشیه (شیعی) اثر گذاشت. همچنین تأثیرات نجم الدین کبری را نمی توان بر شیخ صفی الدین اردبیلی نادیده گرفت. چرا

که پیر او شیخ زاهد گیلانی شاگرد شیخ جمال الدین جبلی و او شاگرد نجم الدین کبری بوده است. همچنین همانطور که گفته شد، نفوذ نوربخشیان بر بزرگان صفویه را نمی توان نادیده گرفت و بنابراین اوصاف، رابطه درهم تنیده‌ای از صوفیان شیعی و سنی می‌توان دید. در این میان طریقت نقشبندیه تفاوت بیشتری با گرایش‌های شیعی و سنی یاد شده دارد، چراکه بر خلاف دیگر طریقت‌های سنی ایران، تحت تأثیر گرایش‌های شیعی نبوده‌اند.

این پژوهش نشان می‌دهد که رنگ‌های استفاده شده در خانقاه- مزارهای شیعی در تطابقی نزدیک با نمادپردازی‌های ذکر شده اولیاء و عرفا است و یک الگوی هرمی تبعیت می‌کند. بطور نمونه همانطور که گفته شد در نظر عرفای نعمت اللهی و نوربخشی، رنگ‌های سبز و کبود (آبی) در مراتب پایینی سلوک سالک دیده می‌شود و بدین معناست که سالک در مرحله توبه و تزکیه است و دلالت بر عالم ملک دارد . در بررسی خانقاه‌های شیعی روشن شد که در نماهای خارجی و نیز در بخش‌های در دسترس فضاهای داخلی بیشتر رنگ آبی استفاده شده است. چرا که این رنگ ابتدای سیران در صفت «الباطن» است. اما در بخش‌های داخلی خانقاه- مزارهای شیعی، بخصوص در تزیینات پوسته داخلی گنبدها، رنگ‌های طلایی، زرد، قرمز، سبز (نور سبز)، سفید و مشکی که در مراتب رنگی بالاتری قرار دارند، دیده می‌شود. از نظر عرفای نعمت اللهی رنگ سرخ، زرد و سفید و از منظر عرفای نوربخشی رنگ کبود، سرخ، زرد، سفید نشان ملکوت (سفلی و علوی) و نور سیاه نشان عالم جبروت است. قطیفی هم نور سفید، سرخ، زرد و سبز را به ترتیب مظهر معانی ائمه، طبایع ائمه، رقائق ائمه و ارواح و صور آنها می‌داند. از نظر ابراهیم خان کرمانی نیز، چهار رنگ سرخ، سبز، زرد و سفید، چهار رکن عرش ولایت را نشان می‌دهند و به ترتیب نماد صورت عرفانی امام حسین (ع)، امام حسن (ع)، امام علی (ع) و امام زمان(ع) است و البته از نظر کربن هر کدام از این رنگ ها دارای چند لایه تأویل‌اند. بدین ترتیب رنگ سرخ در عرش رحمانی، طبیعت؛ در عرش کیهانی، جبرئیل؛ در عرش ولایت، امام حسین(ع) و تاویل باطنی آن امام درون هر انسان و باطن الباطن این رنگ، به معنای حقیقت امام در عالم علوی (حقیقت محمدی)، تجلی ازلی کنز مخفی و عالم علوی ائمه به لحاظ وجود نوری شان است. در خانقاه مزارهای سنی بطور قطع رنگ غالب استفاده شده در نمای خارجی، آبی فیروزه‌ای و لاجوردی است که کاملا منطبق با مراتب نورهای رنگی مطرح شده از عرفای سنی کبرویه است. آنها رنگهای مشاهده شده در ابتدای سلوک، که هنوز نفس در مرتبه لوامه است را کبود (آبی) معرفی می‌کنند. هر چند عرفای طریقت کبرویه و به نحوی طریقت نقشبندیه تجلیات حق تعالی را در مراحل سلوک با رنگ‌های سرخ و زرد وسبز و سفید و سیاه تعریف کرده اند، ولی درون خانقاه-مزارهای‌های سنی تزیینات رنگی استفاده شده به شدت خانقاه‌های شیعی نمی باشد. البته درون خانقاه احمد جام رنگ‌های قرمز-قهوه‌ای، سفید، مشکی زرد و آبی استفاده شده است، ولی همانطور که گفته شد درمقایسه به خانقاه مزارهای شیعی به مراتب، به میزان کمتری استفاده شده است. در مجموعه بایزید نیز در بخش سنی تزیینات رنگی مشاهده نمی شود ولی در بخش مقبره امامزاده محمد تزیینات رنگی به رنگ‌های عنابی، خاکستری، سبز، سفید، مشکی، فیروزه‌ای و لاجوردی دیده می‌شود.

منابع و مآخذ

ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۹، التوحید، ترجمه یعقوب جعفری، قم، نسیم کوثر، جلد:۱.
اردلان، نادر؛ بختیار، لاله، ۱۳۸۰، حس وحدت، ترجمه حمید شاهرخ، تهران، خاک.
اسیری لاهیجی، محمد بن یحیی، ۱۳۱۲، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، محقق/مصحح :میرزا محمد ملک الکتاب. بمبئی، علم.

اکبری باصری، قدسیه؛ محمد قلی پور، مریم، مکانیت مثالین نورهای رنگی در معماری مقدس ایران، معماری و شهرسازی آرمانشهر، ، ۱۳۹۲، ویژه نامه منتخب مقالات اولین همایش روشنایی و نورپردازی ایران، ص ۱-۹
آل عبد الجبار قطیفی، محمد بن عبد علی، ١٤٣٠ ق، هدی العقول إلی أحادیث الأصول؛ محقق عبد الحمید مصطفی، . قم، ذوی القربی. جلد: ۶.
آیت اللهی، حبیب الله، ۱۳۷۷، مبانی نظری هنرهای تجسمی، تهران، سمت
بلخاری، حسن، ١٣٨٤، مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی: کیمیای خیال؛ تهران، سوره مهر.
بلخاری، حسن، ١٣٨٤، تجلی نور و رنگ در هنر ایرانی- اسلامی، تهران، سوره مهر
حسن زاده آملی، حسن، ١٣٦٥، هزار و یک نکته، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ج ۲
خسروانی شریعتی، سید محمود، در پرتو قرآن/ معانی و مفاهیم صبغة الله، مشکوه، ١٣٧٤، شماره ٤٩، ص ۲۰ تا ٢٦
جلالی شیجانی، جمشید، ۱۳۹۰. تأثیر آراء ابن عربی بر تفکر عرفانی سید محمد نوربخش، ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، ش ۲۳، ص۳۹-۵۸
جلالی شیجانی، جمشید، ۱۳۹۳. رمز نور و رنگ در آرای علاءالدوله سمنانی و سید محمد نوربخش، ادیان و عرفان، شماره۲، ص ۲۱۷- ۲۳٦
جلالی شیجانی، جمشید، خاتم الاولیاء از دیدگاه ابن عربی و سید محمد نوربخش، پژوهشنامه ادیان، ۱۳۹۳، شماره ١٦، ص۱-٢٤
جلالی شیجانی، جمشید، تشیع عرفانی و تأثیر آن بر ظهور صفویه. فصلنامه علمی پژوهشی شیعه شناسی، ۱۳۹۷، شماره ٦٢، ص۷ تا ۳۲
جیلی، عبدالکریم، ۱۳۹۲، تجلی کمالات الهیه در صفات محمدیه، ترجمه محمد خواجوی. تهران، مولی
رضوی قمی، ابوالقاسم بن حسین و نوری، حسین بن محمد تقی، ١٣٨٦، رساله الساده فی سیاده الساده(البدر المشعشع در احوال ذریه موسی المبرقع)، محقق مهدی رجایی، قم، کتابخانه عمومی حضرات آیت الله العظمی مرعشی نجفی
سمنانی، علاء الدوله، ۱۳۸۳، رساله نوریه (مصنفات فارسی سمنانی)، مصحح نجیب مایل هروی. تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
شیروانی، زین العابدین، ۱۳۱۵، بستان السیاحه، تهران، چاپخانه احمدی، چاپ اول
صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۹۲، تفسیر آیه نور یا بیان مراتب آفرینش، ترجمه محمد خواجوی. تهران، انتشارات مولی
صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۹۳، حقیقت توحید(شرح اصول کافی)، مترجم شهربانو محلاتی، تهران، انتشارات برگ سبز.
عسگری، فاطمه.اقبالی، پرویز، تجلی نمادهای رنگی در آیینه هنر اسلامی، جلوه هنر، ۱۳۹۲، شماره ۹، ص ٤٣ - ٦٢
قابل، هادی، تفسیر آیه نور مولف سید نورالدین شاه نعمت‌الله ولی، نشریه آفاق نور، ۱۳۸۹، شماره ۱۲، ص ۲۰۷-۲۲٦
کبری، نجم الدین، ١٣٦٨، فوائح الجمال و فواتح الجلال، ترجمه محمد باقر ساعدی خراسانی، تهران، مروی
کربن، هانری، ۱۳۸۰، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه جواد طباطبایی، تهران، انتشارات کویر
کربن، هانری، ۱۳۸۹، واقع انگاری رنگ ها و علم میزان، مترجم انشاءالله رحمتی، تهران، سوفیا

کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۵، اصول کافي، مترجم و شارح:کمره‌ای، محمد باقر، قم، اسوه، جلد ۱
مجدد الف ثانی، احمد، ۱۳۸۳، مکتوبات امام ربانی؛ مصحح ایوب گنجی، تهران، انتشارات صدیقی.
مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۳۵۱، آسمان و جهان (ترجمه السماء و العالم بحار الأنوار)، مترجم: کمره‌ای، محمد باقر، تهران، اسلامیه.
مدرسی چهاردهی، نورالدین، سلسله نقشبندیه، مجله وحید، ، ۱۳۵۳، شماره دهم، ص ۸۱۲-۸۱۵.
مرادی‌نسب، حسین، بمانیان، محمدرضا، اعتصام، ایرج، بازشناسی تأثیر اندیشه‌های عرفانی در کاشیکاری مساجد ایران، پژوهش‌های معماری اسلامی، ، ۱۳۹۶، شماره ۱۴، ص ۳۶-۵۰
میبدی یزدی، حسین بن معین الدین، ۱۳۷۶. شرح دیوان منسوب به امیرالمومنین علی بن ابی‌طالب علیهم السلام، مصحح: حسن رحمانی و سید ابراهیم اشک شیرین، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب
یوسف جمالی، محمدکریم؛ پناهی، عباس، شیخ زاهد گیلانی و تأثیرش بر شیخ صفی الدین اردبیلی، نشریه مسکویه، ۱۳۸۶، شماره ۷، ص ۲۳۱ -۲۵۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

10. Corbin, Henry, 2001, Hisoire de la philosophic Islamique, Kavir Publications, 3rd Ed
11. Corbin, Henry, 2010, Realization of colors and science, translated by Enshaalah Rahmati, Tehran: Sofia Publications
12. Ghabel, Hadi, Interpretation of Noor verse by Seyyed Nooruddin Shah Nematullah Vali, Afagh-e-Noor Publications, 2010,No.12, pp. 207-226
13. Hasanzadeh Amoli, Hassan, 1986, Hezar - o yek nokte, Tehran: Raja publication center, vol.2
14. Ibn Babawayh, Mohammad ibn Ali, 2010, Al-Tawhid, translated by Yaqub Jafari, Qom, Nasim- E-kosar, vol.1.
15. Jalali Shijani, Jamshid, Mystical Shiism and its effect on the emergence of Safavids, Shi'ite Studies, 2018, No.62, pp.7-32
16. Jalali Shijani, Jamshid,Symbol of Light and Color in'Ala- al Dawla Semnani and Sayyid Muhammad Nūrbakhsh Thoughts, Religion and Mistitism, 2014, Issue 2, pp.217-236
17. Jalali Shijani, Jamshid, The influence of Thoughts on Seyyed Mohammad Noorbakhsh,Mytho-Mistic Litrature Journal, 2011,No.23; pp. 39-58
18. Jalali Shijani, Jamshid, the Seal of Sainthood from the Points of View of Ibn ArabÊ and Siyyid Mohammad Nūrbakhsh, Journal of Religious Studies, 2015, Issue 16, pp. 1-24
19. Jeili, Abdolkarim, 2013, Tajalli Kamalat-e-Elahieh Dar Sefate Mohammadieh, translated by Mohammad Khajavi, Tehran, Mola
20. Khosravani Shariati, Seyed Mahmoud, In the light of the Qur'an / the meanings and concepts of Sebqat- Allah ,Mishkat,1995, No.49,pp.20-26
21. Kobra, Najmuddin, 1989, Fawa'ih al-djamal wa-fawatih al-djalal, translated by Mohammad Bagher Saedi Khorasani, Tehran: Marvi Publications
22. Madrasi Chahardehi, Nooruddin, Naqshbandi dynasty, Vahid, 1974, No.10, pp. 812-815.
23. Majlesi, Mohammad-Baqer, 1972, Aseman va jahan(Translation of Al-Sama "and Al-Alam Bihar Al-Anwar),translated by Mohammad bagher Kamare'ee, Tehran: Eslamieh Publications
24. Meybodi yazdi, Hosayn Ibn Moin al–Din, 1997, Sharh-e divan-e mansub beh amir al-momenin Ali Ibn abitaleb, corrected by Hasan Rahmani and Seyyed Ebrahim Ashke Shirin, Tehran: Mirase Maktub
25. Moradinasab, Hosein; Bemanian, ; Mohamad reza; Etesam , Iraj,Recognition of Mystical Thoughts Effects on Blue Color in Tile Lining of Iran's Mosques, Journal of Reasearch in Islamic Architecture , 2017 ,No.14 , pp. 36-50
26. Mujaddid alf sani (Sirhindi), Ahmad, 2004, Maktubat-i Imam-i Rabbani, corrected by Ayyoub Ganji, Tehran,Seddighi Publications
27. Razavi Ghomi, Abolghasem; Noori, Hosayn Ibn Mohammad Taghi, 2007, Resale Al-Sadat Fi siadat Al-Sadat, , corrected by Mehdi Rajaee, Qom, Ayatollah Marashi Najafi Library
28. Sadr al-Din Shirazi, Muhammad ibn Ibrahim, 2014, Sharh Usool Al-Kafi, translated by Shahrbanoo Mahalati, Tehran, Barg-e- Sabz Publications, 1th Ed
29. Sadr al-Din Shirazi, Muhammad ibn Ibrahim, 2013, Tafsir Aye-e Noor, translated by by Mohammad Khajavi, Tehran, Mola
30. Semnani, Alaa al-Dawla, 2004, Resale Noorieh, corrected by Najib Mayel Heravi, Tehran, Elmifarhangi Publications
31. Shirvani, Zayn al-Abidin, 1936, Bustan as-Sayahat, Tehran, Ahmadi Publications, 1th Ed
32.Yousof Jamali,Mohammad Karim; Panahi,Abbas, Sheikh Zahed Gilani and his influence on Sheikh Safiuddin Ardabili, Moskouyeh Journal, 2007, No. 7, pp.231-255

Dawlah Semnani, Sheikh Abdul Samad Isfahani Natanzi, Sheikh Dad in Yazd, Maulana Abu Bakr Zeinuddin Taybadi, Sheikh Ahmad Jami, Bayazid Bastami, Shah Ne'matollah Vali and Sheikh Safi Al-Din Ardabili. Amongst those buildings, four of the most important examples are monastery-mausoleums of Shah Ne'matollah Vali and Sheikh Safi Al-Din Ardabili from the Shia and monastery-mausoleums of Bayazid Bastami and Sheikh Ahmad Jami from the Sunni faith. Those four samples were selected particularly for the present study in which the structures and characteristics of color symbolizations were studied.

The results show that according to the Shia ideology, the God is casting a four-sided lighting image over the throne; and those colorful lights, which indicate the light identity of the existence of Imams, are flowing through other material manifestations of the universe. Those colors could be interpreted in slightly different ways at each level of the universe. Those colors are symbols of variations in God's image through the descending curve, while the potent peripatetic witnesses the colorful images of the creator within the curve of ascendance. Colors are the symbols of steps of the seekers' demeanor in Sunni theosophy hypotheses as well, and the spectrum of manifested colorful lights indicates the quality of spiritual evolution of the seeker through the ascending path to reach the God. The studies suggest that color decorations in all four monastery-mausoleums are in concordance with those theosophical teachings.

In all four instances, the prevalent color used at the external façade is blue, which symbolizes the elementary levels of the spiritual ascendance. The blue color indicates disdaining the horizons within the Sunni teachings while it symbolizes the height of certainty in some symbolization aspects of Shia theosophy. The blue color generally is a symbolization of certainty and the starting point of the path in "Al-baten" (internal/spiritual) characteristics. However, there are differences between Shiite and Sunni monastery-mausoleums within the internal spaces. Red, yellow, gold, green, white and black are more prominent in Shiite monastery-mausoleums that refer to the importance of those colors in Shiite perspective and the roots of guardianship as well as heavenly and extraterrestrial importance of those colors.

Keywords: Color, Monastery-mausoleum, Symbol, Shiite, Sunni, Islamic Architecture of Iran

References: 1. Akbari Baseri, Ghodsieh; Mohammad Gholipour, Maryam, Ideal Locus of the Colour Lights in Iranian Holy Architecture, Armanshahr Architecture & Urban Development journal, 2014, pp.1-9

2. Al- Abd Al-Jabbar Ghoteifi, Mohammad ibn Abd Ali, 2009, Hod al-Oghoul ela Ahadis E AL-Osoul, corrected by Abd Al-Hamid Mostafa, Qom: Zavelghorba, vol.6

3.al-Kulayni , Muhammad ibn Ya'qub , 1996, Usul al-Kafi, translated Mohammad Bagher Kamare'ee, Qom: Osve Publications,vol.1

4. Ardalan, Nader; Bakhtiar,Laleh, 2001, the Sense of Unity, translated by Hamid Shahrokh, Tehran: Khak Publications

5.Asiri,Lahiji, mohammad ibn Yahya, 1933, Mafatih ul Ejaz Fi Sharah Gulshan-e-Raaz, corrected by MIrza Mohammad Malek ul Kottab, Bambai: Elm Publications

6. Asgari, Fatemeh; Eghbali Parviz, Manifestation of color symbols in Islamic ritual art, Jelve-y-Honar, (2015), No.1, pp. 43-62

7. Ayatollahi, Habibollahi, 1998, The Theorics Bases of Plastics Arts, Tehran: Samt

8.BolkhariGhahi,Hassan,2006,TheManistificationoflightandcolorinIslamicart.Tehran:SoreMehr

9. Bolkhari Ghahi,Hassan, 2006, The mystic basis of Islamic art and Architecture, vol.2. Tehran: Sore Mehr

Fundamentals of Color Symbolization in Shia and Sunni Theosophy and the Application Patterns in Shia and Sunni Monastery-mausoleums in Iran (Focusing on Monastery-mausoleums of the 8th and 9th Centuries AH in Iran)

Mansooreh Mohseni, Instructor of the Faculty of Architectural Engineering and Urbanism, Shahrood University of Technology, Iran.
Mahdi hamzenejhad, Assistant Professor, Department of Architecture and Urbanism,
Iran University of Science & Technology, Tehran, Iran.
Received: 2020/05/31 Accepted: 2021/01/23

Colorful decorations in Islamic architecture have always been the means of expressing meanings. In Islam and Islamic mysticism, color, like other creatures of the universe, is a symbol of something beyond matter. The one and only deity, without forms and material qualities, and of course without color, has manifested himself through the pure light and that light has appeared in multiple colors throughout the universe. In fact, in the case of color interpretation, a kind of cryptography must be used. Decoding the secrets of colors and their interpretations throughout our visual world, including the nature as well as manmade symbols would be possible through the religious knowledge enclosed in the hearts of the sages and mystics. Therefore, it is necessary to refer to the definitions and interpretations of religious leaders, mystics and sages in understanding the mysteries and secrets. The narratives from the Muslim Imams and also the statements of mystics have stressed the importance of color symbolizations within our world. According to the teachings of the Sufis, the esoteric realm of Islamic mysticism has been manifested through secrets and colorful symbols in our art and architecture, particularly within the architecture of monastery-mausoleums (Khaneghah-mazar(, which due to its mystical status was used more than other works of Islamic architecture.

The present study aims to provide an interpretation of color symbolizations in Shia and Sunni theosophy and to examine the extent of concordance of those fundamentals between Shia and Sunni monastery-mausoleums of Iran. The research questions are: (1) which colors are important in Shia and Sunni perspectives? (2) Have the color symbolizations in monastery-mausoleums been influenced by the anecdotes and teachings of the theosophists? (3) What are the similarities and differences of color symbolizations in Shia and Sunni monastery-mausoleums? In terms of methodology, this is a descriptive analytic study and a case study research. The data were extracted from the religious and theosophical resources. Then, they were analyzed and compared with other data from field studies. In consideration of the importance of the Sufism during the Ilkhanate and the Timurid periods, various monasteries for a range of Sufi branches such as Nourbakhshieh, Ne'matollahieh, Naghshbandieh were built in those periods and our statistical population is designated as all those monastery-mausoleums built originally in the eighth and the ninth centuries AH. This statistical population includes nine monastery-mausoleums of Chalapi Oghlu in Soltanieh, Sheikh Ala Al-